



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نور و آتش در شهر سوخته
- ◆ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر
- ◆ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی
- ◆ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد
- ◆ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوه‌داشی در کرانه سفیدرود (قلز اوژن) شهرستان طارم
- ◆ بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان
- ◆ کرتیر، از فراز تا فرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی)
- ◆ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان
- ◆ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران‌شناسی

سال ۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت‌شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

سرمقاله

ایران ورجاوند شاهین آریامنش

۳

مقاله

- ۵ نور و آتش در شهر سوخته | سیدمنصور سیدسجادی و ستاره شاهین
- ۱۹ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوهادشی در کرانه سفیدرود (قزل‌اوزن) شهرستان طارم اعلی نوراللهی
- ۳۶ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان | مارک البریخت، ترجمه محسن سعادت
- ۶۱ کرتیر از فراز تا فرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی) | سرور خراشادی و سیدمهدی موسوی
- ۷۹ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی | انریکو مورانو، ترجمه بهنام عطانی
- ۸۵ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر | جنگر یاسف، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۹۴ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد | حامید نوری و فرید احمدزاده
- ۱۰۸ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه اعلی نوراللهی
- بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان | دیوید توماس و آلیسون گسکویین، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۱۳۲

یادداشت

- ۱۴۴ یادداشتی به مناسبت ۴ مارچ سالروز کشف بایگانی باروی تخت جمشید | لیلا مکوندی

پیشخوان

- ۱۵۶ بازخوانی کتاب تپه حصار | سعید باقی‌زاده
- ۱۶۰ هیتیت‌ها در آسیای کهن | شاهین آریامنش
- ۱۶۳ فرهنگ هخامنشی و سنت‌های محلی در آناطولی، قفقاز جنوبی و ایران | آرشاک ایروانیان

درگذشتگان ایران‌شناسی

- ۱۶۵ احسان یارشاطر، الویه لوکنت، محسن ابوالقاسمی، یدالله ثمره، بهروز هم‌رنگ | آرشاک ایروانیان

گزارش

- ۱۶۷ شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
- ۱۷۷ میراث فرهنگی ایران را در ایران فرهنگی دریابید

بخش انگلیسی

On the eighty-sixth anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet | Wouter F.M.

Henkelman



ایران ورجاوند

دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند دور نمانده و چاپ مقاله‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده درباره جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های مجله ایران ورجاوند است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. همچنین معرفی و نقد کتاب‌های حوزه ایران‌شناسی و چیزهایی از این دست نیز در مجله ایران ورجاوند برگ‌هایی را به خود اختصاص می‌دهد.

در پایان از همه گرامیان به‌ویژه نویسندگان و مترجمان ارجمند سپاسگزارم که در انتشار نخستین شماره مجله ایران ورجاوند ما را همراهی کردند. دامن سخن را برمی‌چینم با این امید که نهال باریکی که امروز در سپهر ایران‌شناسی کاشته می‌شود به سرو تناوری در آسمان ایران‌شناسی بدل شود.

یزدان پاک را از بن جان و دندان سپاسگزاریم که ما را بخت و بهره‌ای داد تا نخستین شماره از مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند را منتشر کنیم. مجله‌ای که می‌کوشد تا دستاوردهای پژوهشی پژوهشگران و مترجمان خطه باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، زبان‌های باستانی و دانش‌های پیوسته را منتشر کند.

تلاش دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند بر آن است تا افزون بر چاپ مقاله‌های سخته و پخته پژوهشی در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی، مقاله‌های ترجمه‌ای ارزنده و مهم پژوهشگران ایرانی یا ایرانی را نیز منتشر کند، مقاله‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند هستند.

با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش



تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان*

مارک البریخت

ترجمه محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و
کارشناس باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران

مقدمه

باارزش هستند.^۲ بخش عمده‌ای از تاریخ ایران، به‌ویژه دوره اشکانیان براساس شواهد سکه‌شناسی است. با این حال هنوز تحقیقات سکه‌شناسی برای این دوره کافی نیست. نکته درخور توجه گستردگی تاج‌وتخت اشکانیان است؛ که این بهترین بازسازی از طریق شواهد سکه‌شناسی است.^۳ برای پارتیان، تاج حاکم به ابزاری مهم برای نشان دادن نمادهای مذهبی تبدیل شده که

اسناد مکتوب در رابطه با دوره اشکانیان در ایران (۲۴۰-۲۲۶ پم) به‌نسبت کم هستند^۱ اما هر دانشی درباره مطالعه پیکرنگاری مسکوکات اشکانیان بی‌نهایت مهم است. مسکوکات اشکانیان (و نیز رعیت‌های آنها) یک منبع مهم از دانش مربوط به اشکانیان را تشکیل می‌دهد که همه آنها به‌خاطر اینکه از ایران به‌دست آمده‌اند

* این مقاله برگردانی است از:

Olbrycht, Marek I. 1997. "Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and some aspects Arsacid Political Ideology" *Note Numismaticae*, Tom II, Pp.27-70

از استاد ای. دابروا، استاد ام. میلکزاک و آقای جی. بادزک. ام. ای. به‌خاطر نظرات آنها در پیش‌نویس اولیه مقاله سپاسگزارم. هیچ یک از این اشخاص مسئول و عهده‌دار آنچه در این جا ارائه شده نیستند. من همچنین از کابینه سکه‌شناسی موزه ملی کراکو سپاسگزاری می‌کنم و به‌خصوص خانم بی. هاگزوسکا و آقای جی. بودزک که اجازه دادند به سکه‌های اشکانیان به‌منظور انتشار دسترسی پیدا کنم. مقاله حاضر در بیشتر قسمت‌ها در سال ۱۹۹۳ تکمیل شده و برخی از مطالب بعداً در نظر گرفته شده است.

۱ منابع برای دوره اشکانی در ایران تجزیه و تحلیل شده‌اند به وسیله:

J.W olski, L'Empire des Arsacides, Lovanii 1993. (= Acta Iranica XXXII), pp. 9ff, J. Wi-esehöfer, Das antike Persian. Van 550 v. Chr: bis 650 n. Chr: München-Zürich 1994, pp. 163ff, 360ff

۲ درباره سکه‌های اشکانی مقایسه کنید به:

Wroth 1903; Le Rider 1965; Sellwood 1980; idem 1983a and 1993b: NPIIN; Shore 1993: (Parthian coin types are quoted after Sellwood 1980 (= S

۳ درباره پوشش سر اشکانیان نگاه کنید به:

Sugiyam; 1973'. And Peck 1993. Pp.408-413. On the Parthian diadem, ef.v. Gall

ایدئولوژی سلطنتی آنها را بیان می‌کند.^۱ منشأ تاج به‌عنوان زمان معرفی آن به‌عنوان پوشش سلطنتی اهمیت زیادی در تاریخ ایدئولوژی سیاسی اشکانیان دارد. علاوه بر این، تمایز بین تاج و نیم‌تاج نیز از اهمیت برخوردار است. همه این جنبه‌ها در بازسازی ایدئولوژی و ماهیت به‌نسبت مهم آنها که به ایجاد تناقضاتی منجر می‌شود، حیاتی هستند.^۲ اشکانیان پیرو آنچه در آن زمان به‌عنوان یک عمل جهانی پذیرفته‌شده بود، برای

1969/1970. See also Calmeyer 1976. Eilers, Caley 1977. Pp. 177ff. V.S. Curtis, the Parthian Costume: Its Origin and Distribution, unpublication Ph.D. thesis, University of London, 1988, eadem 1997

1 Hubertus von Gall, "Symbol" in: Colpe et al. (Ed.) 1986, p. 442. ; Erdmann 1951 and Lukonin 1969 (esp. pp. 155ff.); P. E. Schramm, Herrschaftszeichen und Staatssymbole, Bd. 1- 3, 1954-1956.

۲ تلاش برای بازسازی برخی از عناصر ایدئولوژی سیاسی اشکانیان با استفاده از مواد سکه‌شناسی انجام شده به وسیله:

R.F. Vardanjani, Kultura I ideologiya Parfianskogo Isarsloa Po numizmaticheskim dannym (Problemy Periodizatsii), (PhD thesis), Leningrad 1985.

درباره برنامه‌های سیاسی اشکانیان نگاه کنید به:

Wolski 1965; Neusner 1963; Wolski 1977; Lukonin 1983; Wiesehofer 1986.

درباره ایدئولوژی سیاسی هخامنشیان نگاه کنید به:

Schmitt 1977, Ahn 1992

برای دوره سلوکی نگاه کنید به:

Taeger 1957-1960; Walbank 1984; idem, "Konige ALS Golter überlegungen zum Herrscherkult von Alexaander bis Augustus", Chiron 17(1987), pp. 365-382.

درباره ایدئولوژی سیاسی ساسانیان ببینید:

Sundermann 1963; Lukonin 1983.

سکه‌های دیگر قسمت‌ها نیز بررسی شده‌اند:

M.I. Rostovtzeff, "Predstavleniye o monarkhicheskoi vlasti Skifii I Na Bospore". Izvestiya Imperatorskoi Arkheologicheskoi Komisii 49(1913), pp.1-62: 133-140; and Akishev 1984.

۳ جنبه‌های مذهبی-اساطیری از ایدئولوژی سلطنتی تاکید شده به وسیله:

Colpe et al. (edd), 1986, pp. 379-380 (The article "Konigium").

این بررسی درباره دوره ساسانی به‌خوبی صورت گرفته است. نگاه کنید به:

Sundermann 1963.

همچنین تلفیقی از پیکرنگاری مذهبی در هنر اشکانیان در ایران انجام شده توسط:

(M.A.R. Colledge, the Parthian Period, Leiden 1986 (=Iconography of Religion XIV 3

۴ برای نمونه از تلفیق عقاید درباره باورهای مردم الیمایی می‌توان مقایسه کرد با:

J. Hansman, "The Great Gods of Elymais" in: Acta Iranica 24(1985), 229ff.

در آن زمان زرتشتیان ارجاعات متعددی به پیکرنگاری یونانی کرده‌اند مقایسه کنید با:

Interpretatio Graeca "in: Colpe et al. (edd) 1986, p. 370f"

۵ درباره باورهای مذهبی اشکانیان نگاه کنید به:

Widengren 1965; Colpe 1983; Duchesne-Guillemin 1983; Colpe et al. (Ed) 1986; Boyce

نکردند که یک مذهب کاملاً مستقل ایجاد کنند. تجزیه و تحلیل جنبه‌های مذهبی در ایدئولوژی اشکانیان دشوار است. ادیان ایرانی در این زمان بسیار مبهم هستند به همین دلیل پژوهشگران مواردی از مناطق شناخته شده هم‌جوار را مقایسه می‌کنند (مثل ایالات ارمنستان و کوشان‌ها).

مقاله حاضر می‌کوشد که برخی از جنبه‌های منشأ و توسعه تاج سلطنتی اشکانیان را در ارتباط با برداشت اشکانیان از اقتدار سلطنتی که شامل مجموعه‌ای از مفاهیم برای توجیه و تأکید بر ماهیت ویژه اشکانیان بود، بازسازی می‌شود. یک منبع اصلی برای هرگونه تجزیه و تحلیل به‌درستی آن موارد در ارتباط با سکه‌شناسی است که تا حد زیادی نادیده گرفته شده است.

تاج روی سکه‌های اشکانیان

اشکانیان اولیه یک روسری سلطنتی در فرم یک باشلق بر سر می‌گذاشتند (با طراحی جدید) که شبیه روسری ساتراپ‌های دوره هخامنشی و هلنیستی بودند. یک باشلق همیشه به یک نیم‌تاج گره خورده بود. این آرایش سر از زمان ارشک اول (۲۱۷-۲۳۸ پم) تا زمان مهرداد اول استفاده شد (S1ff; Shore 1993, 1-23. Cf. M.). Dayet, "Monnaies arsacides à bonnet", RN XI (1949), 9-26 مهرداد اول (۱۷۰-۱۳۸ پم) کسی است که پارت‌ها را به یک قدرت بزرگ تبدیل کرد و روی سکه درحالی‌که یک نیم‌تاج به شیوه هلنی بر سر دارد ظاهر می‌شود (S1ff; Shore 1993, 24ff). این عمل توسط جانشینان او فرهاد دوم و اردوان اول دنبال شده است (S1ff; Shore 1993, 40ff). فقط مهرداد دوم (۱۲۴/۳-۸۸/۷ پم) بود

که برای اولین بار تنها یک نیم‌تاج بر سر گذاشت (S23ff.; Shore 1993, 66ff) را بر سکه‌هایش در پوشش یک تاج حک کرده است (تصویر ۱.۳-۲) (مثال‌هایی از سکه‌های S28 منتشر شده شامل درهم‌ها و چهاردرهم‌ها هستند. Shore 1993, 94ff). این آرایش موی سر بعداً به‌صورت یک گنبد کشیده با گوش‌پوش در کنار و یک گردن‌پوش در پشت ارائه شده است. این تاج با نقطه‌هایی (که در برخی سکه‌ها به‌صورت متوالی هستند) قاب شده بود. یک تاج همیشه در کنارش یک علامت ستاره‌ای شکل با یک نقطه مرکزی در وسط آن وجود داشته است. این ستاره با ردیفی از نقطه‌ها احاطه شده است (همراه با ترکیبات مختلفی از این عناصر وجود دارد در: Sellwood 1980, pp.81ff). خود تاج با یک نیم‌تاج که درخور اشکانیان بوده گره خورده است. نوع بعدی تاج‌های پادشاه (S29 تصویر ۳.۳)، وفادارانه این الگورا تکرار می‌کند که اطراف این تاج با نقطه‌هایی احاطه شده و نیز یک علامت ستاره‌ای شکل در مرکز قرار دارد که گاه نقطه‌هایی به‌صورت ممتد در اطراف آن است. این شکل از تاج همچنین در نوع S32 (تصویر ۳.۴) دیده می‌شود که برخی از محققان این نوع تاج را به مهرداد دوم نسبت می‌دهند.^۱ در سکه‌های چهاردرهمی از این نوع، یک ستاره هشت پر با یک نقطه مرکزی در وسط آن توسط ردیفی از نقطه‌ها احاطه شده است. یک تزیین نقطه‌ای کل تاج را همراه با پوشش جانبی و گردن‌پوش بسته می‌کند. این طرح بر برخی از سکه‌های چهاردرهمی با یک ستاره شش‌پر طراحی شده است (S32).

پس از مهرداد، پارت‌ها فرمانروایان متعدد ناشناخته داشتند گرچه اکنون همه آنان شناسایی

1979; and eadem 1991

۱ نوع S32 مهرداد دوم نسبت داده شده توسط:

."Morkholm 1980, p. 35. Sellwood 1980, 93ff. speaks of "an Unknown King

شده‌اند.^۱ بنابراین منجر به استفاده از عناوین بر روی سکه‌ها به‌جای اسامی خاص شده است. یکی از این شاهان طبق نوشته‌ها و اختصارات روی سکه‌هایش طبق معمول به‌عنوان ارشک-فرمانروای خودمختار- معرفی شده و تاج مهرداد دوم را تقلید کرده است (S31; Shore 1993, 120ff).

روی سکه‌های چهاردرهم شاهان، کنار تاج شش نقطه ستاره‌ای شکل با سه ردیف نقطه احاطه شده است. تمام قسمت‌های تاج همراه با پوشش جانبی و گردن پوش محصور شده است (تصویر ۳.۵) یک تاج این‌چنینی بر سکه‌های چهاردرهم ارشک خودمختار دیده شده است (S31.5 ff)؛ در جنب آنها یک فرم ستاره‌ای شکل با شش یا هشت پر نوک تیز و یک نقطه در وسط آن وجود دارد (تصویر ۱.۱۰) در برخی از سکه‌های زیرگروه یک نماد جدید (یک گل طراحی شده؟) در چهار ردیف از نقاط محصور شده است (تصویر ۳.۶). در تاج‌های روی سکه‌های مفرغی (S31.11 ff) یک فرم ستاره‌ای با شش یا هشت پر نوک تیز در اطراف آن قرار دارند.

نمادهای بیشتری توسط آنتیوخوس ایفانوس معرفی شده بودند (S34; Shore 1993, p. 145). در شکل کلی، تاج او هیچ تفاوتی از تاج پیشینیانش ندارد. بر سکه‌های چهاردرهم او (S34.1) در کنار تاج او نمادی مشابه طرح گل که با چهار ردیف از نقاط احاطه شده وجود دارد. طرح تاج با زوئندی-جفت‌هایی از قرص‌ها- آراسته شده است (تصویر ۳.۸). این نمادها همچنین بر

درهم‌ها ظاهر می‌شود (S34.2 ff)؛ این تاج‌ها همچنین با چهار یا پنج ردیف نقطه احاطه شده است. بر سکه‌های مفرغی طرح‌های شناخته‌شده چهاردرهم‌ها و درهم‌ها تکرار می‌شود، اگرچه گاهی اوقات آنها فاقد زوائد هستند (کالکوی S34.10).

طرح‌های کاملاً جدیدی بر تاج‌های S33 تتوپاتور نیکاتور (بر بخش‌هایی از درهم‌ها و مفرغی‌ها) ظاهر می‌شود، کسی که باید با سیناتروک (Sinatruces) (حدود ۷۸/۷۷-۷۱/۷۰ پم) مشخص شده باشد.^۲ در شکل کلی، این تاج‌ها، تاج مهرداد دوم را بازتاب می‌دهند. گرچه در کنار این تاج‌ها همیشه یک شاخ محصور شده در سه یا چهار ردیف نقطه وجود دارد. طرح این تاج‌ها با ردیفی از چهره حیوانات تزئین شده است: این موجودات به‌صورت متناوب با شاخ و بدون شاخ ظاهر می‌شوند (تصویرهای ۱.۲ و ۳.۷). این تنوع موضوعات بر برخی از سکه‌های درهم و مفرغی تکرار شده است (S33.8 ff).

۱ برای سکه‌های اشکانیان بعد از مرگ مهرداد دوم نگاه کنید به:

W. Dobbins, *The Successors of Mithradates II of Parthia*, NC 7th Ser. XV (1975), pp. 19-45; D.G. Sellwood, A. M. Simonetta, *Again on the Parthian Coinage from Mithradates II to Orodes II*, NAC7 (1978), pp. 95-119; Morkholm 1980; A.B. Nikitin, *Teinnyi period parfianskoy instorii in: Ermitazhnye Chleniya. Pamyali V, G, Lukonina, Sankt-Petersburg*, 1995, pp.227-229

۲ درباره جزئیات بیشتر نگاه کنید به:

Olbrycht 1997; S. Loginov, A. Nikitin, *Parthian Coins From Margiana*; Shore 1993, 110ff

دارند (تصویر ۳. ۹). دوباره یک تاج بر آخرین سکه‌های فرهاد سوم ظاهر می‌شود (S39). این تاج دقیقاً طرح نوع S33 را تقلید می‌کند. بر چهاردرهم‌ها (S39.1) در کنار تاج یک شاخ محصور شده در دو ردیف نقطه وجود دارد. تزئینات دور تا دور تاج به صورت برجسته همراه با گوش‌پوش و گردن‌پوش محصور شده است. ردیفی از تصویرهای حیوانات با شاخ‌های بزرگ، قسمت بالای تاج را تزئین می‌کنند (تصویر ۳. ۱۱). عناصر یکسانی را می‌توان بر تاج‌های سکه‌های درهم دید (S39.2 ff)، به غیر از شاخی که در داخل یک ردیف سه گانه قرار دارد، گاهی، حیوانات بدون شاخ نمایش داده می‌شود (مثلاً بر سکه‌های 39.17 و 39.18). این‌گونه تاج‌ها همچنین بر سکه‌های مفرغی ظاهر می‌شوند (S39.19 ff).

با مرگ فرهاد سوم تاج شاهان برای مدتی طولانی از روی سکه‌های اشکانیان ناپدید می‌شود. آنها دوباره بر سکه‌های اشکانیان S67 که حدود اواسط قرن اول میلادی ضرب شده‌اند ظاهر می‌شوند. بر آنها شاه تنها و به صورت تمام‌رخ تصویر شده بود. تاج پادشاه به صورت گرد شده و به وسیله شاخ‌هایی وجود دارد و ردیفی از نقطه‌ها در مقابل آن و یک علامت ستاره‌ای شکل در هر دو طرف تزئین شده است. در این تاج پوشش‌های کناری به صورت نیم‌تاج گره خورده است (تصویر ۳. ۱۲). برخی اوقات انتساب این سکه‌ها به ونون دوم (Sellwood 1980: 220; and Shore 1993: 368ff) مورد شک و تردید است.^۱ سلوود اشاره کرده است که

۱ این شباهت موجه ذکر شده توسط:

این موضوعات به دست یک قلمزن فعال تحت نظارت گودرز دوم و بلاش اول ضرب شده‌اند.^۲ اگرچه با وجود تفاوت‌هایی در نوع آنها قطعاً انتشار مخصوص آنها متعلق به گودرز دوم نیست. به احتمال بسیار زیاد بلاش اول یا حاکمان زمان او گزینه‌های مورد نظر هستند (Worth 1903: 190ff. cautiously mentions Vardanes II). ممکن است که با برخی تردیدها این قطعات را به بلاش اول نسبت دهند. این مسئله به مطالعه بیشتری نیاز دارد.

نوع سکه‌های S72 که تحت نظارت بلاش اول انتشار یافته بودند (تقریباً ۷۹-۵۰ م)، مشخص شد که این نوع تاج‌ها بعدها در شاهان اشکانی مشترک می‌شود (Sellwood 1980: 232ff). شکل این تاج به صورت گنبد بوده؛ و کلاله آن به صورت مرزبندی شده با ردیفی از نقطه‌ها بوده و به یک دنباله قلاب شده بود. بر سکه‌های چهاردرهم در کنار تاج، عناصر دیگری وجود نداشته و این پوشش سر گوش‌پوش نیز نداشته است (تصویر ۴. ۱). در مقابل از جمله چنین پوشش‌هایی در پشت چهاردرهم‌ها که شاه نشسته بر تخت تصویر شده نیز قابل مشاهده هستند. تاج بلاش اول بر درهم‌ها (S72.8 ff.) یک شاخ در کنار دارد (تصویر ۴. ۲) درحالی‌که بر سکه‌های مفرغی (72.11) گوش‌پوش به صورت چهار زاویه‌ای نمایان شده است.

تاج بلاش اول (Vologases I) را پسر فرضی او پاکور دوم (حدود ۷۸-۱۱۰ م) بر آخرین سکه‌های منتشر شده او تقلید کرده بود (تصویرهای ۱. ۳ و ۴. ۳) (S72) چهاردرهم‌ها

M. Schottky, Parther, Meder und Ilyrkanier. Eine Untersuchung der dynastischen und geographischen Verflechtungen im Iran des 1. Jhs. N. Chr., AMI 24 (1991). P. 115

۲ نگاه کنید به:

D. Sellwood, A Die-Engraver Sequence for Later Parthian Drachms, NC 7th Ser., 7, 1967, pp. 16ff

و درهم‌ها هستند؛ (Shore 1993, 399ff). تاج پاکور پوشش جانبی و یا یک شاخ در کنار وجود ندارد گاهی اوقات آنها فاقد نمادهای قلاب شده هستند (مفرغی‌ها 14، S77). ابول‌هایی را می‌شناسیم که مربوط به اواخر قرن اول میلادی است که در ارتباط با پارس‌ها هستند، که شاه نوع تاجی شبیه به پوشش سر اشکانیان در آن زمان بر سر می‌گذاشته است (Shore 1993, 390ff).

تاج بلاش دوم (حدود ۱۰۴/۵-۱۴۷/۸) پوشش سر گذشتگان خود را منعکس می‌کند (S79; Shore 1993, 406ff). تاج مشاهده شده بر چهاردرهم‌ها او بدون شک از تاج پاکور دوم پیروی می‌کند - که هیچ یک از این دو نه شاخ دارند و نه پوشش کناری صورت - (تصویرهای ۴.۱ و ۴.۴). سکه‌های مفرغی او یک تاج با حاشیه‌ای متفاوت از سکه‌های نقره‌ای بزرگ او را نشان می‌دهند. نوع S79.39ff. تاج چهارکالکوی تنها یک شاخ در اطراف ندارد بلکه دو عدد در دو بخش قابل مشاهده دارد. نوع S79.43 چهارکالکوی فقط یک پوشش کناری به صورت تک ارائه می‌دهد درحالی‌که اطراف آن یک نوار عمودی با حرکات افقی وجود دارد. برخی از سکه‌های مفرغی کوچک (S79.44ff) تاجی شبیه نمونه‌های بالا نشان می‌دهد درحالی‌که یک گردن‌پوش دارند. S79.50. در سکه‌های مفرغی شاه به صورت تمام‌رخ به تصویر کشیده شده و دو شاخ در هر دو طرف تاج قابل مشاهده هستند، همچنین یک پوشش کناری صورت و یک نوار عمودی در مقابل آن وجود دارد. برخی از دوکالکوی‌ها (S79.48) و کالکوی‌ها (S79.52) نشان می‌دهند در نمایی کناری یک نوار جانبی عمودی و یک پوشش بوده اما هیچ قلابی وجود ندارد.

خسرو اول (حدود ۱۰۸/۹-۱۲۹ م) بر

سکه‌های نقره‌ای خود بدون شاخ به تصویر کشیده شده است (S80). او موی خود را به صورت خوشه‌ای در بالای یک نیم‌تاج و پشت گوش‌هایش جمع کرده است. با این حال بر بسیاری از سکه‌های مفرغی او در پوشش یک تاج قلاب شده و یک شاخ در کنار آن نشان داده شده است (زیرگروه‌های 80.11, 80.18 ff 80.23 and) (تصویر ۴.۵). بر برخی از سکه‌های کالکوی خسرو، یک تاج با سه زائده مشخص (S80.25) و یک گردن‌پوش (S80.26) بر سر دارد.

نوع S81 (درهم‌ها و مفرغ‌ها) نشان می‌دهند که تاج‌هایی که اطرافشان با نمادهای هلالی، ستاره و خورشید تزئین شده است و پوشش بلند کناری صورت با نقطه‌هایی قاب شده است (تصویر ۴.۶). به نظر می‌رسد که این سکه‌ها در نیمه اول قرن دوم میلادی منتشر شده‌اند و انتساب آنها هنوز به صورت حل نشده باقی مانده است.^۱

بلاش سوم (۱۴۷-۱۹۱م) بر پشت بسیاری از سکه‌ها باقی مانده است (S84; Shore 1993, 427ff). تاج وی بر بسیاری از سکه‌های چهاردرهم او به صورت گنبدمانند است که بدون قلاب و اطراف آن با یک شاخ که با نقطه‌هایی مزین گشته تزئین شده است و در پشت تاج یک گردن‌پوش که گوش‌ها را نیز پوشش می‌دهد، قابل مشاهده است. گودی تاج و حاشیه گردن‌پوش با ردیفی از حاشیه‌های نقطه‌مانند قاب شده است (تصویر ۴.۷). روی درهم‌ها، آن تاج بدون شاخ است و روی ساقه آن قرص‌هایی قرار دارد، همچنین یک گردن‌پوش نیز وجود دارد (S84.127 ff). (تصویرهای ۵.۲ و ۸.۴). بر سکه‌های بزرگ مفرغی (چهارکالکوی S84.134) و بر برخی دوکالکوی‌ها (S84.144 ff) آن شکل تاج‌هایی

۱ با توجه به (Sehwood 1980: 262) و سکه‌هایی از این نوع را به پارتاماسپاتس غاصب که از تراژن حمایت کرد نسبت می‌دهند (Shore 1993, 423f). با این حال این اسناد به صورت فرضی هستند. کافی است که به سنگ‌نبشته‌هایی که به صورت ناخوانا انتشار یافته اشاره داشته باشیم که می‌توانسته برای یک پادشاه پارتی در شرق صدق کند نه برای بین‌النهرین

که بر چهاردرهم‌ها وجود داشته تکرار می‌شود (مانند آنچه که روی کالکوی‌ها وجود دارد. S84. ff 161). اگرچه در بعضی قسمت‌ها ناخوانا هستند). بر برخی از سکه‌های مفرغی، شاه به‌صورت تمام‌رخ نشان داده شده؛ و در مقابل آن تاج با یک زائده تزیین شده و پوشش‌ها و شاخی در اطراف آن قابل مشاهده است (S84.136). نقشی از بلاش سوم در پوشش تاجی که مانند آن بر سکه‌های ویل پادشاه ادسا نیز یافت شده است (Hill 1922, P1. XIII 6; Worth 1903, p.) 236.

تاج خسرو دوم (S85; Shore 1993, 437ff) که احتمال داده شده در نیمه دوم قرن دوم میلادی حکومت می‌کرده، و ما از طریق درهم‌ها و مفرغ‌ها او را می‌شناسیم، با ردیفی از نقطه‌ها و بالای ساقه با ردیفی محصور شده است. تاج با یک پوشش کناری و یک نوار عمودی از نقطه‌ها و برخی اوقات به‌صورت متناوب یک نوار ممتد ایجاد شده است (تصویرهای ۱. ۶ و ۹. ۴).

در اواخر حکومت اشکانیان تاج سنتی مورد استفاده قرار می‌گرفت. بلاش پنجم (حدود ۲۰۷/۸-۲۲۸ م) فقط با یک تاج به تصویر کشیده شد (S88; Shore 1993, 450ff). پوشش سر مشاهده شده بر چهاردرهم‌های او فرمی شبیه به نمونه‌های بلاش سوم است. ردیفی پیوسته از علامت‌های قلابی شکل در بالای آن، یک شاخ با ردیفی از نقطه‌ها در اطراف آن، یک گردن‌پوش که برای پوشش گوش‌ها به سمت پشت گسترش یافته است و طرح آن با ردیفی از نقطه‌ها قاب شده است (تصویر ۲. ۸). نقش پادشاه پشت سکه‌ها در نوع تاج همانند است. تاج سکه‌های درهم از لحاظ برخی خصوصیات طرح با چهاردرهم تفاوت دارد. بالای آن با قرص‌هایی روی ساقه

مزین شده و یک علامت مشابه در کنار آن قرار داده شده است (تصویرهای ۲. ۷ و ۴. ۱۰). این تاج یک زائده کناری دارد (یک گوش‌پوش با یک گردن‌پوش در پشت متصل شده؟ S88.18 ff). بر برخی از درهم‌ها، پوشش‌های کناری به‌صورت طولانی نقش شده‌اند (S88.22 ff). تاج سکه‌های مفرغی بر درهم‌ها نیز تقلید می‌شود (S88.25) اگرچه گاهی در این تاج، یک گردن‌پوش منحنی و یک شاخ در کنار قرار دارد (S88.26 ff).

بر سکه‌های اردوان چهارم (۲۱۳-۲۲۴ م) دو نوع تاج وجود دارد (Shore 1993, 464ff). یکی از آنها از نوع S88.18 ff. هیچ تفاوتی با پوشش سر بلاش پنجم ندارد. همان‌طور که در بالا شرح داده شد (به‌جز آنکه گاه کنار سکه به سمت صورت تمثال تغییر جهت یافته است) بر درهم‌ها و نوع S89 سکه‌های مفرغی ظاهر می‌شود (تصویر ۴. ۱۱). در آخرین سکه‌های منتشر شده او (S90)، اردوان تاجی به سر دارد که شش نقطه ستاره‌ای شکل در وسط آن وجود دارد. تاج با نقطه‌چینی‌هایی مرزبندی شده و یک پوشش کناری دارای ردیفی از نقطه‌ها وجود دارد. روی ساقه آن تزیینات ساجمه‌ای شکل به‌صورت تزیینی برتر وجود دارد (تصویر ۴. ۱۲) (Shore 1993, 464ff).

در ایران بقایای تعدادی از مجسمه‌های اشکانی را می‌شناسیم که در نوع پوشش پوشش با یک تاج مشخص نشان داده شده‌اند. تقریباً همه آنها مربوط به اواخر حکومت اشکانیان است درحالی‌که برخی آنها را بدون شک به اشکانیان نسبت می‌دهند، دیگران و من آنها را به‌عنوان تصویر حاکم محلی یا به‌احتمال مقامات تفسیر می‌کنیم. با وجود مشکلات تاریخ‌گذاری

و شرایط نامناسب، این موارد اغلب برای تفاسیر قطعی دشوار هستند. با این حال این مجسمه‌ها مواد قابل قیاس با ارزشی برای توصیف تاج روی سکه‌ها فراهم می‌آورند.

نقش برجسته‌ای در ساختمان بردنشانده وجود داشته که به اوایل قرن سوم میلادی تاریخ‌گذاری شده و صحنه عبادت پنج نفره را نشان می‌دهد. مردی که در مرکز قرار دارد یک تاج بلند و یک نیم‌تاج چندتکه‌ای بر سر دارد است که تصور می‌شود که یک شاه است (Colledge 1977, P1. 31b; Kawami 1987, p. 74ff. Cat. No 21, P1. 26; Mathiesen 1992, p. 25 Cat. No 151). در سمت چپ شاه دو مرد ایستاده در یک لباس مشابه وجود دارند. تفسیر پوشش سر آنان دشوار است؛ بر اساس گفته‌ی اچ. ای. ماتیسن آنان یک کلاه وصله‌دار با یک آرایش موی عالی داشته‌اند. در سمت راست نقش برجسته تصویر دو نفر که شاید الیمایی باشند وجود دارد. بر این اساس تی. کاوامی این نقش برجسته یک شاه اشکانی و یکی از مقامات الیمایی را در حال انجام یک عمل مذهبی را نشان می‌دهد (Kawa-mi 1987, p. 75).

یک نقش برجسته در مسجد سلیمان (الیمایی، قرن اول تا دوم میلادی) سر مردی را با پوشش یک تاج مرتفع گردشده نشان می‌دهد. این پوشش سر به دو نیم‌تاج متصل شده و طرحی شبیه لنگر دارد. یک نقش برجسته از مسجد سلیمان (قرن اول تا دوم میلادی) تصویری را با پوشش یک تاج بلند گردشده نشان می‌دهد (Kawami 1987, p. 85, Cat. No 25, P1. 30; Mathiesen 1992, p. 155 f., Cat. No 41).

در برخی از نقش برجسته‌های تنگ سروک یک تاج بلند نشان داده شده است. نقش برجسته BS

(نیمه سمت راست) تصویر یک مرد را با پوشش یک تاج بلند نشان می‌دهد (Kawami 1987, p. 192f. Cat. No 33, Fig. 16; Matheisen 1992, p. 138. Cat. No 14 BN). بر نقش برجسته BN تصویر دو مرد را که به احتمال چیزی شبیه به تاج بر سر دارند نیز نشان می‌دهد و بین آنان یک Betyl وجود دارد (Kawami 1987, p. 192f. Cat. No 33, Fig. 16; Matheisen 1992, p. 138. Cat. No 14). در تصویر یک مرد در حال مبارزه با یک شیر بر نقش برجسته AWC به نظر می‌رسد که یک تاج مرتفع پوشیده است (Kawami 1987, p. 194f. Cat. No 35, P1. 41, Fig. 17; Matheisen 1992, p. 138f. Cat. No 15).

دیگر آرایش‌های سر مربوط به تاج‌های اشکانیان از دیگر مناطق مختلف پارتیان به دست آمده است. یک سر که در شرایط نامطلوبی نگهداری شده از قلعه نو (هخامنشی)، اواخر دوره اشکانیان) یک تاج به نسبت بلند گره‌خورده را با یک نیم‌تاج را نشان می‌دهد (Kawami 1987, p. 138f. Cat. No 63, Fig. 32; Matheisen 1992, p. 170. Cat. No 90). سر جالبی نیز از همدان (ماد) که بین قرن اول پم و پایان حکومت اشکانیان تاریخ‌گذاری شده به دست آمده است. این سر تا حدودی نابود شده است. تاج این سر به شکل نیم‌کره‌ای است و با یک نیم‌تاج گره‌خورده است. قسمت‌های قابل مشاهده این تاج، گونه‌پوش و گردن‌پوش هستند (Kawami 1987, p. 51ff. Cat. No 6, P1s. 8-9, Figs 4-5). یک تصویر به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای در نزدیکی کرکی (در دوره میانه از آمودریا) در پوشش یک تاج بلند با یک نوار عمودی در بالای پیشانی آن به دست آمده است؛ قسمت‌هایی از پشت سر این تصویر روبان

1 H. v. Gahh, Relieffragment eines elymäischen Königs aus Masğed-e Soeleiman, Iranica Antiqua 15 (1980), p. 241 ff.; Kawami 1987, p. 85, Cat. No 27, P1. 32

یک نیم تاج قابل مشاهده است.^۱

تفسیر آثار به دست آمده از دوره هخامنشی و ماد و پارت شرقی عاری از ابهام نیست اگرچه ما نمی دانیم که این افراد تصویر شده چه کسانی هستند، این نیز ممکن است که تاج آنها برگرفته از تاج اشکانیان بوده باشد.

یادبود اردوان پنجم بهترین تصویر مستند سلطنتی از پایان دوره اشکانیان است که مربوط به سال ۲۱۵ م است. در این ستون سنگی شاه نشسته بر تخت شاهی، اردوان است که یک ریش شکافته دارد - دقیقاً شبیه به سکه هایش - و یک تاج نیز با یک پوشش کناری بلندی که دارای تزئینات است بر سر دارد. در اطراف تاج یک نیم تاج وجود دارد که دنباله آن بر شانه های شاه قرار می گیرد. تاج بسیار بلند و نوک آن گرد شده است. یک نوار مرزی تزئینی در اطراف تاج قرار گرفته و یک نوار عمودی بالای پیشانی وجود دارد (Kawami 1987, pp48-51, Cat. No 5,) P1. 7; Matheisen 1992, Cat. No 87, p. 168ff). این تاج تزئین شده، شبیه تاج سکه های اردوان چهارم است. با این حال این تاج بر بعضی از سکه های منتشر شده به صورت کوچک تر نشان داده شده است. ستون سنگی شوش تصویر تاج های اشکانیان را بر سکه ها نشان می دهد و به صورت عالی از تاج سکه ها الگو گرفته است. چنین نتیجه گیری ای با تصویر اردوان چهارم در نقش برجسته های ساسانی تأیید شده است.

در یک نقش برجسته اعطای نشان در نقش رستم، اهورامزدا در حال دادن حلقه قدرت به اردشیر است. در زیر اسب اردشیر، اردوان چهارم شکست خورده دراز کشیده است. در این تصویر تاج اشکانی در یک روش تقریباً یکسان همانند سنگ یادبود شوش تصویر شده است. این

تاج حالت گنبدمانند دراز دارد و دارای تزئیناتی به صورت مرزبندی در اطراف پوشش صورت و گردن پوش است، همچنین شعار خانوادگی اشکانیان در کنار آن وجود دارد. روبان های نیم تاج در پشت سر قابل مشاهده هستند (Hinz 1969, p. 126ff. and 134; Taf. 60, 68; H. Lushey, *Ardasir I. Rock Reliefs, Encyclopaedia Iranica* 2 (1987), p. 379).

تفسیر تاج مجسمه های اشکانیان کار دشواری است. اول از همه نمی دانیم که آیا تصویر حاکم محلی است یا خود شاه. سنگ یادبود شوش و نقش برجسته نقش رستم بدون ابهام نیستند اما آنها اطلاعات فوق العاده ارزشمندی را درباره تاج اشکانیان ارائه می دهند. نقش برجسته های الیمایی ذکر شده در بالا، اغلب حکام محلی را به تصویر می کشند که سبک تاج شاه شاهان، شبیه سازی شده است. گاهی ممکن است که ما با تمثال خود شاه شاهان سروکار داشته باشیم مانند برد نشانده. تاج معرفی شده توسط مهرداد دوم، یک تاج مرتفع و گرد شده بود. این نوع شکل تاج بر سکه های جانشینان او تا زمان فرهاد سوم باقی مانده است. زمانی که این تاج که دوباره در قرن اول میلادی بر سکه ها ظاهر شد، به نظر می رسد که کوتاه تر شده است. با این وجود، شکل های موجود بر سکه های شاهان جوان اشکانی اغلب الگووارانه هستند. گاهی اوقات نیز نیم تنه شاه ارائه شده که تاج او متناسب با اندازه سکه ها نیست. اندازه قرص محل تصویر بر سکه ها به طور فزاینده ای بسیار کوچک شده طوری که تصویر به طور کامل نابود شده و تاج را به صورت کوچک تر از شکل واقعی و یا فقط قسمتی از آن نشان داده شده است. اگر با تاج اردوان چهارم که بر سکه هایش و نیز در نقش رستم و شوش به صورت مرتفع ترسیم شده مقایسه کنیم تفاوت خاصی در

1G. A. Koshelenko (Ed), *Drevneyshe gosudarstva Kavkaza I Srednei Azii*, Moscow 1985, P1. CVI, p. 394

ترسیم تاج می‌توان مشاهده کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که تاج در اواخر دوره اشکانیان به صورت مرتفع و بشکل گنبد بوده است. علاوه بر این ما تاج‌های مرتفع و بلند را در نقش برجسته‌های مسجد سلیمان، بردنشانده و کرکی می‌بینیم. یک تاج مرتفع گرد شده که در برخی از سکه‌ها و مجسمه‌ها وجود دارد، شکل آرایش موی فرمانده اشکانی را نشان می‌دهد. با این حال این را نیز نمی‌توانیم رد کنیم که گاهی شاه پارتی پوشش سری به غیر از تاج رسمی بر سر دارد (گاهی استثنائاتی درباره خسرو اول دیده می‌شود. البته گونه‌هایی از تاج‌های رسمی توسط اتباع اشکانی استفاده شده است. به عنوان مثال درباره پوشش سر کوچک و نوک تیز در هونگ کمالوند مقایسه کنید با: Kawami 1987. Cat.no 51, P1. 23; Mathiesen 1992, Cat. No 3).

خاستگاه‌ها و ارتباطات

معرفی نوع جدیدی از تاج‌ها توسط اشکانیان نمی‌توانسته به صورت اتفاقی بوده باشد. بنابراین این سؤال درباره منشأ تاج اشکانیان به فرمی برمی‌گردد که از زمان مهرداد دوم مشترک شد و اینکه آیا اشکانیان یک سنت قدیمی را در مقابل با هخامنشیان و هلنی در مورد تاج‌هایشان استفاده نکرده‌اند. سردرگمی زیادی درباره تاج‌های هخامنشیان و اصطلاحات دخیل در آن وجود دارد که نتیجه تناقضات بسیار در اسناد قدیمی (بررسی خوبی از این منابع انجام شده توسط: Sirch 1974. Cf. Ritter 1965; Eilers; Calmeyer-er 1977; and Calmeyer 1993) و ابهامات

۱ درباره آرایش موی سر هخامنشیان در هنر مقایسه کنید با:

در مطالعات پیکرنگاری پارس قدیم است.^۱ در نقش برجسته بیستون در زمان سلطنت داریوش هنوز تاج دایره‌ای شکل با کنگره‌هایی کوچک استفاده می‌شد و تاج استوانه‌ای شکلی به نام کیداریس ارائه می‌کند که بعدها در بین هخامنشیان مشترک شد (صحنه‌هایی از مخاطبان در تخت جمشید و یک مقبره در نقش رستم) (نگاه کنید به: M. Roaf, op. eit. (Note 52), Fig. 132). این تاج به طور معمول می‌تواند پهن باشد اما گاهی با حلقه‌هایی کوچک احاطه شده است. این نوع تاج در نقش برجسته‌های هخامنشی گسترده شد. درباریان بلندمرتبه پوشش سری این چنین مشابه را بر سر داشتند اما کوتاه‌تر. در هنر ساتراپ‌های غربی (به خصوص در آسیای صغیر) و در سنت یونان (به عنوان مثال اصطلاح موسوم به موزاییک اسکندر در پمپئی) هخامنشیان در یک تاج نرم ظاهر می‌شوند که به احتمال کرباسیا (Kyrba-sia) نامیده شده است. آرایش مشابه مو توسط ساتراپ‌ها و حاکمان آسیای صغیر استفاده شد، اما کیرباسیای سلطنتی به احتمال بسیار بلندتر بوده و به صورت عمودی قرار داشته است.^۲ به گفته بسیاری از محققان در منابع یونانی تاج ارث وجود دارد (در این باره اظهار نظر کرده‌اند: V. Gall 1974, p. 144ff. and S. Bittner, Tracht und Bewaffnung des persischen Heeres zur Zeit der Achaimeniden, Munich 1985, p. 193ff. also v. Gall 1990). این تاج به صورت ایستاده به نظر می‌رسد و در خدمت خود شاه بوده است (نگاه کنید به: Xenoph. Ky-

Hinz 1974; D. Schlumberger, La coiffure du Grand Roi, Syria XLVIII, 1971, pp. 375-383; V. Gall 1974, p. 146ff.; M. Roaf, Sculptures and Sculptors at Persepolis, Iran 21 (1983), p. 131ff.; P. Calmeyer, Das Datum der Grundunginschrift vom Apadana und die Krone der ältesten Bogenschützen Revue des Etudes Anciennes 41 (1989), p. 51 ff.; v, Gall 1990; Calmeyer 1993.

2J. Borchhardt, Bildnisse achaimenidischer Herrscher, AMI, Erg.-Band 10, 1983, p. 207ff

است. در ابتدا اشکانیان کلاه نرمی به مانند پوشش سر ساتراپ‌ها (نوعی از کرباسیا) همراه با یک نیم‌تاج و یا یک نیم‌تاج به تنهایی به‌عنوان نشانهٔ اقتدار سلطنتی استفاده کرده‌اند. کرباسیا نیز توسط حاکمان هلنی ارمنستان و کاپادوکیه و پادشاهان پارس استفاده شده است (مقایسه کنید با: Eilers, Calmeyer 1977, p. 177f; v. Gall 1990, p. 322). به‌عنوان نشانه‌ای از اقتدار توسط اسکند بزرگ بعد از مرگ داریوش سوم پذیرفته شد. دیودوس و حاکمان اواخر هلنی این نوع را ادامه دادند (Ritter 1987). بنابراین مهرداد اشکانی (حدود ۱۳۸-۱۷۰ پ.م) بر سکه‌هایش نوع S11- یک نیم‌تاج به‌طور کامل جایگزین کرباسیا می‌شود. از آن پس یک نیم‌تاج بر آخرین سکه‌های منتشرشده اشکانیان به‌عنوان نماد اقتدار سلطنتی توسط خود شاه یا از زمان مهرداد دوم همراه با یک تاج ظاهر می‌شود.

تاج اشکانی با پوشش سر قبیله‌های عشایر استپ‌های اوراسیا شباهتی ندارد. در اواخر سده‌های قبل از میلاد عشایر معمولاً یک کلاه نرم متفاوت به سر می‌گذاشتند که باشلق (معمولاً اشاره شده)^۱ یا فیلیت نامیده می‌شد.^۲ گاهی اوقات تاج‌های فرهیخته که با گل‌های متعدد و یا زانده‌های حیوان مانند تزئین شده مورد استفاده

همچنین rous. VIII 3.3; Anab. II 5.23 مقایسه کنید با: Aves 487. وقتی بسوس خود را به‌عنوان پادشاه آسیا معرفی کرد وی تاج ارث بر سر دارد Arr. Anab. III 25.3. همچنین به‌طور مشابه بردیای غاصب یک کیداریس قائم بر سر دارد (Arr. Anab. VI 29.3). به‌نظر می‌رسد که نویسندگان یونانی واژه تاج ارث را برای بیان کرباسیای بلند و کیداریس بلند استفاده کرده‌اند که باعث سردرگمی می‌شوند. علاوه بر کیداریس و کرباسیا، هخامنشیان نیز یک نیم‌تاج به سر دارند (این سؤال با جزئیات بیشتری بیان شده توسط: Ritter 1965, p. 8ff; idem 1987). طبق برخی از مدارک نوشته شده این نیم‌تاج در خدمت شاه و بستگانش بوده است (Xenoph.). Kyrou. VIII 3.13 برای جزئیات نگاه کنید به: v, Gall 1974, p. 155f. idem 1990, p. 171f 321ff; Eilers, Calmeyer 1977, p. 171f ساتراپ‌ها در آسیای میانه نیم‌تاج‌هایی بر سر دارند. این شاهان متمایز بودند و نیم‌تاجی گره خورده داشتند مقایسه کنید با: v. Gall 1990). اگرچه این سؤال درباره تاج اشکانیان از بسیاری جهات به‌صورت نامفهوم باقی مانده است اما این احتمال هست که به این نتیجه برسیم که هیچ تشابهی بین تاج رسمی هخامنشیان با تاج اواخر حکومت اشکانیان شناخته نشده

۱ مواد جدید تجزیه و تحلیل شده توسط:

A. Rikman, *Odezhda narodov vostochnoi Evropy v rannem zheleznom veke (seredina I tys. Do n. e. – seredina I tys. N. e.)*, in: *Drevnyaya odezhda narodov Vostochnoi Evropy*, Moscow 1986, pp. 7-29

درباره باشلق‌ها نگاه کنید به:

M. I. Rostovtzeff, P. K. Stepanov, *Ellino-skifsky golovnoi uber*, *Izvestia Imperatorskoi Arkheologicheskoi Komissii*, 63 (1917), pp. 69-101; T.V. Miroshina, *Ob odnom tipe skifskikh golovnikh uborov*, SA 1977, No. 3, pp. 79-94; eadem, *Skifskie Kalafy SA 1980*, no 1, pp. 30-45; and eadem, *Golovnye ubory in: Stepi evropeyskoy Chasti SSSR v skifo-sarmatskoe vremya*, Moscow 1989, pp. 108-109.

2 P. Bernard, *Plutarque ET de la coiffure des Parthes ET des nomads*, *Journal des Savants*, 1980, p. 76ff.

مانند بسیاری از جانشینان او علاوه بر در اختیار داشتن یک باشلق، دارای یک پوشش کناری بوده که گوش‌ها و صورت را نیز پوشانده است. به دلایل کاربردی چنین محافظ‌های اضافی برای آرایش موی سر که توسط مردم عشایر استفاده شده بود اهمیت ویژه‌ای داشته است. تا همین اواخر قرقیزها در آسیای مرکزی پوشش سری با قطعات محافظتی از این نوع استفاده کردند.^۲ پوشش سری مشابه در دوران باستان توسط عشایر در استپ‌های دریای سیاه به سمت آلتای و توسط مردم فلات ایران استفاده می‌شده است. باشلق‌های همراه با گردن‌پوش و پوشش جانبی توسط مادها ساخته شدند (Hdt. VII 62; V 49. Cf. Trümpel-mann 1988, p. 88).^۳ در مبارزات پوشش سر مشابهی نیز توسط پارت‌ها مورد استفاده قرار گرفت قبل از اشکانیان: در زمان هخامنشیان آنها در پوشش نوعی باشلق-کرباسیا نشان داده شده است (گاهی آنها یک سر بند باریک به سر دارند (Hinz 1969, pp. 95-96).

یک مسئله جدا که مطرح می‌شود درباره کلاه‌خودهای نبرد استفاده شده در زمان پارتیان در آسیای غربی است. آنها از تاج‌های اشکانی متفاوت بودند و به نظر نمی‌رسد که پیشرو آنها بوده باشد.^۴ نکته مهم درباره چهره‌های اشکانیان در نقش برجسته‌های

قرار گرفتند (B. Brentjes, Vorislamische Kronen Mittelasiens, AMI 20 (1987), p. 261 ff). آرایش مشابه موی سر در سرزمین‌های آسیای مرکزی (سغد و بلخ) غالب بود.^۱ در میان پوشش سر هخامنشیان تاج مادها به صورت واضح وجود دارد. تاج‌های بلند و گنبدی شکل مادها از طریق بسیاری از نقش برجسته‌های تخت جمشید (اغلب یک روبان در پشت تاج قابل مشاهده است) (Hinz 1969, p. 67ff) و در نقش برجسته آرامگاه هخامنشیان در مصر نیز مشخص شده‌اند (V. Gall 1974, p. 160; and AMI 1972, Taf. 73). ما همچنین یک نیم‌تنه مادی که از تهران به دست آمده را می‌شناسیم که یک تاج گنبدی شکل بر سر دارد و مربوط به قرن پنجم یا چهارم است (Ghirshman 1964, P1. 295). تعیین هویت قومی این چهره‌ها هر شک و تردیدی را از بین می‌برد. پوشش سر گنبدی شکل مرتفع، جزئی از لباس مادی (Porada 1985, p. 822; Trümpelmann 1988, p. 82f) توسط مقامات بلندمرتبه مادی در دادگاه پارسیان پوشیده شد. در این شکل به احتمال به خاطر مدت‌زمان طولانی تغییراتی ایجاد شده و آنها توسط پارتیان وام گرفته شده که این خود سنت مادها را ارزشمند کرده است. تاج مهرداد دوم

۱ به عنوان مثال مقایسه کنید با:

E. G. Istoriya iskusstv Uzbekistana, Tashkent 1967, P1s. 59-60, 66

برای جزئیات دیگر درباره پوشش‌های سر نگاه کنید به:

G. A. Koshelenko (Ed), Drevneyshe gosudarstva Kavkaza I Sredneye Azii, Moscow 1985, P1. CXX; G. A. Pugachenkova, Eshche o khalchayanskoi sculpture, in: Tsentralnaya Aziya. Novye pamyatniki pismennosti I iskusstva, Moscow 1987, p. 255.

۲ این پرسش با جزئیات نشان داده شده توسط:

O. A. Sukhareva, Drevnie cherty v Formakh golovnykh uborov narodov Sredneye Azii, in: Sredneaziatskii etnograficheskii sbornik I, Moscow 1954, pp. 324-334.

۳ باشلق‌های مشابهی برای سکاها شناخته شده است (Hdt. VII 64). برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: Hinz 1974, col. 796. بر یک نقش برجسته از تخت جمشید یک تصویر به عنوان مادی در پوشش یک تاج با گردن‌پوش و پوشش کناری صورت شناخته شده است (اگرچه بدون هیچ قطعیتی) نگاه کنید به: Ghirshman 1964, P1. 209.

۴ درباره اطلاعات بیشتر از کلاه‌خودها مقایسه کنید با:

G.A. Pugachenkova, O pantsionom vooruzhenii parfianskogo I baktriiskogo vojn-

اوایل دوره ساسانی است. نقش برجسته صحنه مبارزه فیروزآباد صحنه‌هایی از نبرد اردشیر علیه اردوان چهارم را به تصویر می‌کشد. در هر سه نبرد پارتیان کلاه‌خودی با صفحات درازگونه و یک‌شکل دارند.^۱ در دیگر نقش برجسته‌های ساسانی در نقش رستم و ستون سنگی یادبود شوش، اردوان چهارم تاجی بر سر دارد که به‌وضوح از کلاه‌خود متفاوت است. کلاه ایرانی شناخته شده که از کنار دیده شده، شبیه تاج اشکانی استفاده شده در دوره ساسانی است. مجموعه آنها بلند و به‌صورت یکدست است.^۲ اگر همه آنها مرتبط با آرایش موی سلطنتی پارتیان بوده باشد، پس آنها به جای پیشرفت، تقلید کرده‌اند.^۳ تاج گنبدی شکل بلند پارت‌ها فقط در مراسم تشریفاتی استفاده شده است. تاج معرفی شده مهرداد دوم به شکل‌های مختلف توسط پادشاهان همسایه به‌ویژه در ارمنستان، کماژن و کاپادوکیه استفاده شده است.^۴

تاج و برخی جنبه‌های ایدئولوژی اشکانیان، یک طرح کلی ابتدایی
 ظهور عنوان «شاه شاهان» لحظه‌ای مهم در

گسترش ایدئولوژی سلطنتی اشکانیان بود. این عنوان در آسیای غربی در طول قرن دوم و سوم پم استفاده شده و بعد از آن توسط پادشاهان اورارتو، ماد و هخامنشیان مورد استفاده قرار گرفته است (Frye 1964, pp. 111-115; Schmitt 1977, pp. 385-387; Frye 1984, p. 74, note 40, and pp. 78, 106; and Ahn 1992). بعد از دوره هخامنشیان، مهرداد دوم (۱۲۳/۴-۸۸/۷ پم) بود که برای اولین بار عنوان شاه شاهان ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ را بر سکه‌ها (شروع از نوع S27) استفاده کرد. به‌طور همزمان تاج اشکانیان به‌عنوان نوعی پوشش سر مرسوم شد. این نوآوری‌ها توسط مهرداد دوم که با هم در ارتباط بودند ارائه شدند.

در چه شرایطی بوده که مهرداد دوم در سیاست افراطی خود تغییری ایجاد کرده است؟ متأسفانه منابع نوشته شده درباره پادشاهی او کم است. همچنین پدر او اردوان دوم (۱۲۳-۴/۱۲۳-۱۲۸ پم) در ایجاد ایدئولوژی سیاسی جدید اشکانیان نقش مهمی ایجاد کرده است.^۵ اولین

stva, VDI 1966, No. 2, p. 35ff; M. N. Gorelik, Kushanskii dospek, in: Drevnyaya Indiya, Moscow 1982, and pp.82- 112.

۱ برای جزئیات بیشتر مقایسه کنید با:

Hinz 1969, P1s 51-55, p. 115; H.v. Gall, Das Reiterkampfbild in der iranischen und iranisch beeinflubten kunst parthischer und sasanidischer Zeit, Berlin 1990 (= Teheraner Forschungen, Bd. 6), p. 21ff. Abb. 3, and p 69ff.

2 S. James, Evidence from Dura Europos for the Origins of Late Roman Helmets, Syria 63 (1986), p. 117ff

3 Sellwood 1983a, p. 297, makes a distinction between a helmet and a tiara as he stresses the latter's "non-protective". B.J. Overlaet, Contribution to Sasabian Armament in Connection with a Decorative Helmet, Iranica Antiqua 17 (1982), p. 191ff., rejects any connection of Known Iranian helmets With the Parthian tiara.

۴ برای جزئیات بیشتر درباره تاج‌های شاهان کوماژن نگاه کنید به:

Young 1964; for those of Armenia, saa Tiratsyan 1982. In Cappadocia, a peculiar domed tiara made a brief appearance. According to H. v. Gall 1990, p. 322ff, it derived From the Median crown of the Achaemenids.

۵ بر سکه‌های شوش یک تصویر وجود دارد (به‌سختی قابل مشاهده است) با یک پوشش سری بلند که در مقابل آپولو زانو زده است- نگاه کنید به:

سکه‌های منتشر شده مهرداد (S23, S24) شامل چهاردرهم‌ها بود (در سلوکیه در ساحل دجله ضرب شدند) که به‌عنوان مخالفتی بود با نمونه‌های گذشته (S25-S29) که شاهان قبلی صرفاً در ضربخانه‌های ایران ضرب کرده بودند (نگاه کنید به: McDowell 1935, p. 202ff). ضربخانهٔ اکباتان به سختی کار کرده است. به همین روش در ضربخانه ری که مهرداد دوم در اوایل سلطنت خود سکه‌های مفرغی را در آن ضرب می‌کرد و همچنین سکه‌های نقره را انتشار داد.^۱ مهرداد دوم در جنگ با عشایر ایران در مرزهای شرقی پیروز شد (Iust. XLII 2.). Cf. Frye 1984, p. 194ff. These problems are analyzed in Olbrycht 1997 و عنوان THPOΣΩΣ را بر سکه‌هایش انعکاس داد (S25). فعالیت‌های پارتیان در ایران شرقی و آسیای مرکزی در زمان مهرداد دوم توسط سکه‌های

فراوان یافت شده و قطعه‌هایی مربوط به زمان او در آن منطقه نیز مستند شده است.^۲ این‌گونه به نظر می‌رسد که او رفتار سیاسی و نظامی خود را در آسیای مرکزی و ایران شرقی ادامه داده که تقریباً از ۱۱۰-۱۲۰ پم زمانی که مهرداد دوم عهده‌دار عنوان شاه شاهان شد رخ داده است که ما از طریق سکه‌های (ΩNEAIΣABΣYEATEΣBA) و اسناد نوشته شده بین‌النهرین به آن پی می‌بریم.^۳ متون بابلی این واقعیت را حدود ۱۰۹-۱۰۸ پم تاریخ‌گذاری می‌کند.^۴ این یک موفقیت ویژه در ایدئولوژی سلطنتی اشکانیان در کل شرق بود. مهرداد دوم پایه قوی‌تری نسبت به گذشتگان به‌عنوان وارث و اعاده سنت هخامنشیان ساخته است (Wolski 1965: pp. 165-157). این را نیز باید گفت که دیگر تحولات در زمینه ضرب سکه‌های پارتیان تحت نظر مهرداد دوم ارائه شده بودند. برای نمونه یک سکه موجود است که در

Rider 1965, P1. X 97. 1-4, pp. 79, 293-294, and 374-376

سکه‌هایی از این نوع تاریخ‌گذاری شده توسط:

O. Morkholm at the reign of Artabanus I (A Greek Coin Hoard From Susiana, Acta Archaeologica 36, 1965, p. 151); G. Le Rider, Deux nouveaux Tetradrachmes Frappes a Suse, RN 20 (1978), p. 35, note 2.

اگر آن تصویر فرد زانو زده یک اشکانی باشد - این پیشنهاد شده توسط: Boyce 1991, p. 37ff

باید بپذیریم که آن تاج قبل از مهرداد دوم گسترش یافته بود. اما شاه پشت سکه‌ها در پوشش یک تاج نشان داده نشده است. علاوه بر این هیچ پیش‌زمینه‌ای برای شناسایی چهره زانو زده وجود ندارد. این مسئله نیاز به اطلاعات بیشتری دارد. یک نوآوری مهم توسط اردوان دوم معرفی شده که علائمی از «یک اغراق فوق‌العاده از سنت هلنی» است (کرتیس، ۱۹۹۷).

1 A. B. Nikitin, Monetnyi dvor goroda Ragi v pervye gody pravleniya Mitridata II, VDI 1983 (no2), pp. 95-00

2 V. N. Philipko, S. D. Loginov, Kald parfianskikh drakhm iz Ashkhabada, Izvestia Akademii Nauk Turkmenskoi SSR, Seriya Obshchestvennikh nauk, 1980 (no 1), pp. 77-83; E. V. Rtveladze, O zone parfianskikh vladanii v zapadnoi Baktrii, in: Merv v drevnei I srednevekovoi istorii Vostoka III: Merv I parfianskaia epokha, Ashgabat 1992, p. 33f.; idem, Coins of the Yuezhi Rulers of Northern Bactria, Silk Road Art and Archeology 3 (1993/4), pp. 81-95

۳ عنوان کامل مهرداد دوم بر سکه‌هایی که سلطنت او را تائید می‌کند این‌گونه پیدا شده است:

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΤΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΝΙΟΥΣ

Sellwood classification of 1971 no type 26/17.; A. B. Nikitin, Khalk Mitridata II so sledami perechekanki VDI 1981 (no2), pp. 115-117. ; Olbrycht 1997.

۴ عنوان r arr ni از سال ۲۰۴ در منطقه سلوکیه ظاهر می‌شود. به‌عنوان مثال در سال ۱۰۸/۷ پم مقایسه کنید با:

J. Oelsner, Randbemerkungen zur arsakidischen Geschichte anhand von babylonischen Keilschrifttexten, Altorientalische Forschungen 3 (1975), p. 35ff.

قسمت چپ آن مشخصات حاکم ذکر شده که در تقابل با عمل هلنی انجام شده است.^۱

فعالیت‌های سیاسی مهرداد دوم در ایران و اقدامات تبلیغاتی او در ارتباط با هم بودند. نقش تعیین‌کننده‌ای در این تحولات توسط سرزمین غنی ماد در فلات مرکزی بازی می‌شد. حتی در زمان هخامنشیان مادها موقعیت نزدیکی با پارسیان ایجاد کردند که فقط ناشی از ارتباطات بین دو قبیله نبود اما به‌خاطر سنت‌های شاهنشاهی و ثروت فراوان آن بوده که توسط بسیاری از منابع تأیید شده است.^۲ از لحاظ زبانی و قومی، مادها و پارت‌ها بسیار با هم اشتراک دارند؛ هر دو ملت همسایه بودند.^۳ با توجه به استراتژی سیاسی و اقتصادی بالقوه، ماد به‌عنوان کلیدی مهم برای پارت‌ها حائز اهمیت بود و برای حکومت یک موضوع اصلی بود (نگاه کنید به: G. A. Koshelenko, *Kulture: Parfii, Moscow 1966, p. 50ff; Frye (1984, p. 222). ضرابخانه مادی (اکباتان و ری) اکثریت قریب به اتفاق در زمان اشکانیان سکه ضرب می‌کردند و کشور دارای ذخایر غنی نقره بوده است (Nikitin, op. cit. (note) 80)). همه اینها در ترکیب با هم باعث شد که مادها سرزمین با اهمیتی برای پارتیان ایجاد کند، سرزمینی که فرهنگ آن -مجموعه‌ای از سنت‌های ایرانی آن‌گونه که بوده- (برای جزئیات بیشتر در این باره نگاه کنید به: G. A. Koshelenko, *Vnutripoliticheskaya borba v Parfii, VDI 1963 (no3), p. 59ff, esp. p. 64f*)*

حتی در ایدئولوژی سیاسی اشکانیان نفوذ کرده است. به‌نظر می‌رسد که اشکانیان عمدتاً به‌واسطه منشأ سنت‌های هخامنشیان بدین صورت به سنت مادی بازگشته‌اند. این مهم همچنین از طریق تاج سلطنتی قابل تشخیص است -بیشتر یا کمتر از روی آگاهی- که به معنای بازگشت به میراث فرهنگی هخامنشیان بود. به‌عنوان مثل عنوان «شاه شاهان» بود که بعداً فقط در این زمان معرفی شد. نماد اصلی دیده شده بر تاج مهرداد دوم یک نماد ستاره‌ای شکل با شش یا هشت پر است. یک طراحی مشابه بعدها بر تاج ارشک خودمختار (S31) و یک شاه ناشناس در قرن دوم میلادی (S81) و اردوان چهارم (S90) ظاهر می‌شود. به چه دلیل این علامت بر تاج مهرداد دوم و برخی از پیشینیانش قرار داشته است؟ به‌احتمال این علامت به‌عنوان یک صفحه خورشیدی و به‌عنوان نمادی از میترا تلفیق شده است (نماد میترا در کنار هاله‌ای در اطراف سر ایزد تصویر شده است. مقایسه کنید با: Colpe et al. (Ed) 1986, p. 398f. (With the Kushnas as MII-PO-Helios); Callieri 1990 این تصور با تحقیقات بیشتر درباره پیکره‌نگاری میترا تأیید شده است. به هر حال این نماد تأییدی بر قدرت شاه و شرایط منحصر به فرد او بوده است. پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهد که چگونگی گسترش پرستش میترا در ایران چطور بوده است (مقایسه کنید با: Boyce 1969, Frye 1975; Nagel, Jacobs 1989; and Cal-lieiri 1990: p. 85ff در کماژن میترا به‌عنوان

۱ براساس R. E. Vardanian, *Arshakidskii povorot, VDI 1992, no 4, pp. 106-115*. خود اشکانیان از نمادهای ضد سلوکی حکاکتی کردند. با این حال این برنامه را می‌توان به‌عنوان تلاشی با تأکید کردن بر پیشرفت جدید و اصلی در مسکوکات اشکانیان و یک انحراف قابل توجه از سنت هلنی عنوان کرد.

2 Strab.XI13.7;Amm.XXIII3.5; 6.31. On Medias powerful role in Oriental history, see Tumpelmann 1988, p. 798ff.

3 Strab.XI13.7;Amm.XXIII3.5 .6.31 ;On Medias powerful role in Oriental history, see Tumpelmann 1988, p. 798ff

یک خدای در حال اعطای نشان ظاهر می‌شود مشابه تصویر تاق بستان، نگاه کنید به: Colpe: et al. (Ed) 1986, p. 389ff. نکته مهم در رابطه با اواخر حکومت هخامنشیان اینکه نقش میترا حتی در دوره سلوکی (زمانی که او با آپولوی یونانی یا هلیوس یونانی و یا نابو بابلی مشخص شده) برای دست‌یابی به نقطه شکوفایی تحت حکومت اشکانیان رشد کرده است. این ایزد به یک موقعیت عالی رسیده بود که به نظر می‌رسد به علت کشمکش‌های زرتشتیان در برابر گسترش ادیان خارجی دوره هلنی بوده باشد. میترا یک خدای چندمنظوره بود که در طول زمان به خاطر جنبه خورشیدی خود در ارتباط با فراوانی نور پیشرفت زیادی به دست آورد. نشانه‌های زیادی وجود که نشان می‌دهد میترا به‌طور مخصوص از عزت نفس و اعتماد اشکانیان لذت برده است.^۱ تیرداد اول در ارمنستان، پادشاه سلسله اشکانی (برادر بلاش اول) پرستش‌گر سرسخت میترا بود (Widengren 1965, p. 178) و تا جایی رسید که او را به‌عنوان یک خدا مشخص کرد. که به نظر می‌رسد توسط کتیبه گارنی اثبات شده که پادشاه «ΙΩΣ ΤΙΡΙΑΛΑ ΤΕΣΛΗ» خوانده می‌شود (درباره کتیبه گارنی نگاه کنید به: K. V. Trever, Ocherki po istorii Kulturi drevnei Armenii, Moscow-Leningrad 1963, pp. 68,77, 174ff.; Ishkol-Kerovpian 1986, p. 120). در سخنرانی او به نرون، تیرداد را مشابه به میترا در منابعی ایجاد کرده است (Dio LXIII 5.2). به‌طور مشابه وردان اول (Philostr. Vita Herod. IV) (Apoll. I 31) و اردوان چهارم

این امکان هست که از برخی پیام‌ها برای اشکانیان حقیقتی بوده باشد به‌خصوص در مقابل جمعیت یونانی، مقدونی که معادل یونانی میترا، آپولو حامیان سلوکیان بوده باشد.
۲ مقایسه کنید با:

15.1) در این منابع به‌عنوان عبادت‌کنندگان میترا آفتاب نامیده شده‌اند. برخی از پادشاهان اشکانی نام‌های خدایی با منشأ میترا -مهر در پارت- داشته‌اند. ریشه این نام در اسناد نسا وجود دارند (Frye 1975: 65). نقش ویژه میترا توسط جی. ویدنگرن خاطر نشان شده است او می‌نویسد: «در حال حاضر به گمان است که به‌مناسبت فرا رسیدن مراسم تاج‌گذاری حاکم اشکانیان میترا، خدای نجات‌دهنده، به‌عنوان تجسمی زمینی از خدا حضور داشت» (Widengren 1959, p. 250; idem 1965, p. 238; idem 1976, p. 226f). پرستش میترا به‌خصوص در میان مردمان ایران در آسیای مرکزی (از جمله عشایر) و ایران شرقی گسترده شده بود، مناطقی که نقش مهمی در تاریخ اشکانیان ایفا کردند (Widengren 1965, p. 172f.; Boyce 1969, p. 16, note 32; Nagel, Jacobs 1989, p. 382). همچنین یک خبررسان آگاه اطلاع می‌دهد که میترا قطعاً اهمیت خود را در زمان ساسانیان (در دفاع از ناهید و اورمزد) از دست می‌دهد (Boyce 1969; Frye 1975, p. 66). به این دلیل ممکن است که میترا احتمالاً رئیس خدای سلسله سرنگون شده خاندان اشکانی بوده است.

اطلاعات وابسته به سکه‌شناسی منبع اصلی دانش ما درباره زمان تاریخ مرگ مهرداد دوم تا ارد دوم (حدود ۷۸-۵۵ پم) است. به دلایل ناشناخته‌ای برای ما عنوان شاه شاهان بر سکه‌های او ناپدید می‌شود. با این حال در برخی متون بابلی و قدیمی پیدا شده است.^۲ چنین روندی به‌صورت مشابه برای تاج‌ها نیز رخ داده، که تاج‌ها برای

1 Widengren 1965, p. 223. Cf. D. Metzler, Das Pferd aus den Münzen des Labienusein Mathras-Symbols? In: Studien zur Religion und Kultur Kleinasien. Festschrift F. K. Dörner, Vol. 2, 1978, p. 618ff.

این امکان هست که از برخی پیام‌ها برای اشکانیان حقیقتی بوده باشد به‌خصوص در مقابل جمعیت یونانی، مقدونی که معادل یونانی میترا، آپولو حامیان سلوکیان بوده باشد.

۲ مقایسه کنید با:

J. Oelsner, Materialien zur babylonischen Gesellschaft und Kultur in hellenistischer

مدتی از روی سکه‌ها حذف می‌شوند، اما هنوز هم به اسناد مکشوف اشاره شده است. این نشان می‌دهد که ما از تبلیغات سیاسی اشکانیان اطلاع چندانی نداریم.

در سکه‌های منتشرشده سیناتروک (حدود ۷۸/۷ - ۷۰/۷۱ پم) که متعلق به نوع S33 هستند، تاج طرحی دارد که در اطراف آن تصاویری از حیوانات شبیه گوزن با شاخ یا بدون شاخ وجود دارد. همان‌طور که از طریق منابع کهن می‌دانیم، سیناتروک با کمک ساگرته، کسی که قبلاً با او بوده، به حکومت رسید (Lukian. 15 Markob). ساگرته در میان ایالات (قبایل چادرنشین) از آسیای مرکزی برآمد که به بلخ و حکومت اشکانیان در قرن دوم پم حمله کردند و باعث شد که ایرانی-هندیان به سوی مرزها نفوذ کنند. با بهره‌گیری از آشفتگی موجود در پارت، آنها سیناتروک را به‌عنوان شاه پارت انتخاب کردند. تاج شاه جدید دارای نمادهایی بود که تأثیرپذیری آن را نشان می‌دهد، آنها به نمادگرایی مذهبی ایالات و عشایر آسیای مرکزی بازگشتی داشتند. به‌صورت اتفاقی می‌دانیم که موقعیت

قبلی پانتئون در میان قبایل ایرانی استپ‌های اوراسیا توسط خورشید اشغال شده بود.^۱ تصویر گوزن دقیقاً در ارتباط با پرستش خورشید بوده است (Akishev 1984, p. 39). تصاویر این حیوانات در هنر قبایل اوراسیا بسیار مشهور بودند.^۲ سکاها و سرم‌ها گاهی مجسمه‌های گوزن را برای تزئین آرایش مو خود استفاده می‌کردند؛ شواهد موجود برای چنین پدیده‌ای از بسیاری از گورهای این ایالت از گورهای مردان و هم زنان در منطقه دریای سیاه پیدا شده است (Miroshina 1977 (note 61), p. 87f). از موارد مورد توجه در این رابطه نیم‌تاجی از سرم‌ها در نووچرکاسک و تاجی از کوبیاکوو است (Werner 1956, p. 66ff, Pl. 32.1). T. A. Prochorova, Nekotorye aspekty ideologii sarnato-alan (po materialam Kurgana 10 Kobayakovskogo. (mogilnika), VDI 1994, no 4, p. 174ff). این تاج دنباله‌ای به شکل درختان داشته است. طراحی مشابهی بر تاج اشکانی سیناتروک پیدا شده که دارای تصاویر گوزن است. بر برخی از سکه‌هایی از این نوع، گوزن شاخ ندارد.

Zeit, Budapest 1986, p. 277f. On Phraates, see Dio XXXVII 6.1-3

1 Strabo XI ; 8.6 Akishev 1984, p. 74; L. P. Marinovich, G. A. Kosheleuko, O structure skifskogo panteona in: Istoriya I Kultura antichnogo mora, Moscow 1977, pp. 118- 121.

سکاها پرستش میترا را به شمال غرب هند بردند جایی که در آنجا به‌صورت نیرومندی باقی ماند؛ پرستش میترا توسط آپولونیوس از تیانامورد قبول واقع شد، کسی که در تاکسیلا در قرن ۴۰ میلادی حکومت کرد (Philostr. Vita Apoll. II 17; 38).

برای اطلاعات بیشتر در این مورد نگاه کنید به: Scheftelowitz 1933, p. 293ff.

۲ این مسئله با جزئیات بررسی شده توسط:

N. L. Chlinova, Skifskii olen, in: Materialy I issledovaniya po arkheologii 115, Moscow- Leningrad 1962, pp. 167-203.

همچنین مقایسه کنید با:

E. H. Minns, Scythians and Greeks, Cambridge 1913, pp. 233- 235 and fig. 138; Wener 1965, p. 66f.

اهمیت دینی گوزن (در رابطه با پرستش خورشید) در هانو-ترکیک در آسیای مرکزی که همسایه قبایل سکایی بودند معلوم شده است. مقایسه کنید با:

M. I. Borgoliakov, Gunno-tyurskii syuzhet o praroditele-olene (byke), Sovestkaya Turkologiya 1976, no 3, pp. 55-59.

یکی دیگر از نمادهایی که بر سکه‌های نوع S33 معرفی شد شاخ است. در تمام موارد احتمال دارد این شاخ، شاخ گاو نر است. علامتی که بر سکه‌ها شایع است، یک جوانی اشکانی است. در سنت ایرانی یک گاو نر حالت فرضی از بهرام و شخصیت قدرت الهی و قدرتی است که در شاخ او نهفته شده است (Scheftelowitz 1912, pp. 454, 457, 471-2; M. Lurker, Zur Symbolbedeutung von Horn und Geweih unter besonderer Berücksichtigung der altorientalischmediterranenüberlieferung, Symbolon NF 2 (1974), p. 87ff.; Colpe et al. (Ed.) 1986, p. 458ff). بهرام با میترا و فره شکوه سلطنتی در ارتباط بوده است (Colpe et al. (ed.) 1986, p. 227 (458ff; Widengren 1976, p. 227). سرانجام با آتش‌پرستی به‌خصوص با آتش بهرام مرتبط بوده است (Colpe et al. (ed.) 1986, p. 458ff). مشابه چنین خصوصیتی در قبایل آسیای مرکزی به‌خصوص به سکاها نسبت داده شده است (Scheftelowitz 1933, p. 293ff). سنگ‌نگاره‌های قدیمی قزاقستان - سرزمینی که سکاها از آنجا آمدند - الهه خورشید را بر یک گاو نشان می‌دهد (Akishev 1984, p. 37). پیوندهایی بین نمادپردازی گاو با آیین دینی پرستش خورشید در ایالات آسیای مرکزی بسیار رایج بودند (نگاه کنید به: M.A. Devlet, *Novye materialy o drevnem Kulte byka v Tsentralnoy Azii, Kratkie soobshcheniya institute arkheologii* 199 (1990), pp. 46-55). در نتیجه سیناتروک تاجی سلطنتی با عناصری که به باورهای ایالات آسیای مرکزی اشاره دارند

را استفاده کرده است. در همین زمینه این عناصر به‌عنوان بخشی از ایدئولوژی سیاسی پارتیان شکل گرفتند. به‌طوری‌که آنها بر پیوندهای پارتیان با ایالات به‌خصوص سکاها تاکید کردند. البته تصادفی نیست که سکه‌های نوع S33 به‌صورت مشترک در ایران شرقی و ترکستان توسط پادشاهان محلی ضرب شده و از آنها تقلید کرده‌اند (نگاه کنید به: Olbrycht 1997). به نظر می‌رسد که سیناتروک تنها تاج استفاده نکرده بلکه در یک نیم‌تاج هم ظاهر شده است (نگاه کنید به: Morkholm 1980, p. 44). عادت‌های مشابهی را می‌توان بر سکه‌های فرهاد سوم دید، کسی که بر سکه‌های منتشرشده خود با یک نیم‌تاج یا تنها در یک تاج ظاهر می‌شود (N. M. Wagner, *The Coinage of Phraates III of Parthia: Addenda, in: Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy, and History. Studies in Honor of G. C. Miles, Beirut 1974, p. 15ff*). بین حکومت فرهاد دوم و سیناتروک نمادهای بسیاری بر تاج‌ها ظاهر شد به‌عنوان مثال نمادهای گلدان فرض شده بر سکه‌های نوع S34 است، اگرچه این مسئله فراتر از محدوده مقاله حاضر است. فرهاد دوم آخرین پادشاه مسن اشکانی است که بر سکه‌ها در پوشش یک تاج نشان داده شده است. این پوشش سر بر سکه‌های منتشرشده اشکانی برای مدت طولانی ظاهر می‌شود. هنوز هم چنین سکه‌هایی با اشاراتی به اردوان دوم (حدود ۱۰-۴۰ م) ذکر شده است. کسی که گفته ژوزف فلاویوس (Josephus Flavius)، ایزاتس (Izates) شاه آدیابن، حق بر سر گذاشتن

۱ در سنت‌های حماسی ایران فریدون پادشاه اسطوره‌ای که پارت‌ها به او اشاراتی داشته‌اند، از یک گرز با سر گاو استفاده کرده است. از سوی دیگر برخی از سکه‌های سلوکیان بعد از اسکندر یک شاخ گاو نر و گوش‌هایی به‌عنوان نماد سلطنتی استفاده کرده‌اند. ورثرگنه با هرakلوس شناخته شده بود. مقایسه کنید با: F. A. Pennacchietti, *Linscrizione bilingue Gre-co-Patrica, Mesopotamia* 22 (1987), p. 169ff

تاج وراثت و مسندی طلایی را به اردوان دوم اعطا کرد (Ios. Ant. IUD. XX 67). این نویسنده یهودی به طور زیادی تاج‌های اشکانیان را با کلماتی توصیف می‌کند که نویسندگان قدیم‌تر برای اشاره به پوشش سر اشکانیان استفاده کرده‌اند (در زمان اردوان دوم گرایش قوی به سمت سنت بزرگ هخامنشی وجود داشت؛ همچنین در ارتباط با روم نیز می‌توان دید. نگاه کنید به: E. Dabrow, La politique de L'Etat Partha Legard de Rome-d Artban II A Volgasa I (co 11- co 79 de N.E.) ET les facteurs qui la conditionnaient, (Karkaw 1983, p. 73ff).

بر سکه‌ها این تاج تا زمان نوع S67 دوباره ظهور نمی‌کند که به احتمال توسط بلاش اول استفاده شده است. این فرم تاج توسط این شاه در سکه‌های نوع S72 ارائه شد. این فرم به خاطر استفاده توسط بیشتر شاهان جوان اشکانی تا زمان آخرین شاه اشکانی اردوان پنجم و بلاش پنجم باقی مانده است. در حال حاضر برخی از زوائد تاج به صورت سطحی درآمده‌اند که شناسایی آنها غیر ممکن است (به عنوان مثال قلاب‌ها یا قرص‌هایی در رأس تاج). اغلب پادشاهان جوان یک تاج داشته‌اند (S27) و در نمای پیشانی گاهی می‌تواند دو شاخ دیده شود (برای مثال تاج بلاش سوم). شاید باید آنها را به عنوان نماد بهرام تفسیر شود.

نمایش تاج توسط بلاش اول (۷۹-۵۰ م) همراه با برنامه سیاسی او انجام گرفته که هدف آن تثبیت و تقویت موقعیت وی در برابر قدرت‌های همسایه‌ها به خصوص روم و کوشان‌ها بود. در اوایل سلطنت او، بلاش اول دخالتی در حکومت

آدیابن داشت و خواستار آن شد که پادشاه ایزاتس دوم امتیازاتش را که توسط اردوان دوم به او اعطا شده را رها کند از جمله حق بر سر گذاشتن یک تاج قائم (Ios. Ant. IUD. XX 75ff). این نشان می‌دهد که حق بر سر گذاشتن یک تاج اساساً به اشکانیان محدود بوده است. در شرایط فوق‌العاده‌ای آنها می‌توانستند مالیات‌هایشان را گسترش دهند که این امر توسط اردوان دوم انجام شد. در یک نگاه واضح است که آن تاج به نماد سلطنتی اضافی شده که بر ماهیت خاص پادشاهی اشکانیان تاکید کرده و اشکانیان را از اتباعشان برجسته کرده است. با این عقیده بسیار راحت است که بدانیم بلاش اول کسی که بر سکه‌های شاهان جوان اشکانی معرفی شده، که این تدابیر را هماهنگ با تدابیر تبلیغات سیاسی برای تقویت سلطنت اشکانیان انجام داده است.^۱ اینکه چگونه جانشینان بلاش اول این تاج را استفاده کرده‌اند یک مسئله درخور توجه است. پسر او پاکور (۷۸-۱۱۰ م) در ابتدا بر سکه‌ها فقط با یک نیم‌تاج به تصویر کشیده شده است (نمونه S72, 75, 76). در اواخر تاریخ سلطنت او، چهاردرهم‌ها (۹۳-۹۶ م) پاکور با پوشش یک تاج ظاهر می‌شود که دقیقاً تاج نوع S72 را تقلید کرده است (مقایسه کنید با: Stati-us, Thebais 8. 291-293). بدین ترتیب ما حدس می‌زنیم که پاکور به خوبی تاج پدرش را برای سلطنتش پذیرفته، زمانی است که موقعیت و قدرت پارتیان ایجاد شده بود (مقایسه کنید با: Stai-us, Thebais 8. 291-293).

پس از مرگ پاکور دوم وضعیت پیچیده شد. به نظر می‌رسد وارث حقیقی او بلاش دوم شد

1M. J. Olbrycht, Das Arsakidenreich zwischen der mediterranen Welt und Zentralasien (ca. 50-160 n. Chr.) in: Ancient Iran and the Mediterranean World, Papers of the Colloquium Held at the University of Cracow in September 1996, E. Dabrowa, ed. (Forthcoming).

(حدود ۵/۱۰۴-۱۴۷/۸ م.) کسی که درحالی که پاکور هنوز زنده بود- فقط در یک نیم تاج ظاهر شد (S79) بر سکه‌های مفرغی سلوکیان از (۱۱۱/۱۱۲-۹ / ۱۳۸ پم) انتشار یافته، بر این سکه‌ها بلاش یک تاج بر سر گذاشته؛ تصویر تاج او بر درهم‌ها از سال ۱۲۱/۲-۱۴۷ م ظاهر می‌شوند) اما بعدها در تاجی شبیه تاج‌های قبلی به‌خصوص تاج پدر فرضی خود، پاکور ظاهر شد (S79) بر سکه‌های مفرغی سلوکیان از (۱۱۱/۱۱۲-۹ / ۱۳۸ پم) انتشار یافته، بر این سکه‌ها بلاش یک تاج بر سر گذاشته؛ تصویر تاج او بر درهم‌ها از سال ۱۲۱/۲-۱۴۷ م ظاهر می‌شوند). خسرو اول رقیب بلاش اول (حدود ۹/۱۰۸-۱۲۹ م) کسی که یک پادشاه قانونی نبوده، برای مدت طولانی بر سکه‌ها بدون شاخ ظاهر شد. بعد از مبارزه موفقیت‌آمیز او با تراژن (حدود ۱۱۷ م) -اقتدار او تقویت شد و به برخی از توافق‌نامه‌ها با بلاش اول نائل آمد- او به‌صورت اتفاقی بر سکه‌های مفرغی با یک تاج ظاهر می‌شود.^۱ چنین شرایطی نشان می‌دهد که آن تاج به‌صورت تصادفی استفاده نشده و حضور و یا عدم حضور آن طبق شرایط سیاسی خاصی انجام می‌شده است. حاکمان فرعی تحت حکومت خسرو اول و بلاش دوم بر سکه‌هایی شناخته شده‌اند که فقط در یک نیم تاج وجود دارند (S32) (مهرداد چهارم) S82 and (شاه ناشناس)). شاه بر روی سکه‌های نوع S81 در پوشش یک تاج رسمی ناشناس باقی مانده است.

تاج به‌عنوان پوشش سر سلطنتی بر سکه‌های اواخر حکومت اشکانیان از بلاش دوم تا اردوان چهارم غالب است. نخستین پادشاه اشکانی که فقط در یک تاج بر سکه‌ها ظاهر می‌شد، بلاش سوم بود (۱۴۷-۱۹۱ م)، در طول سلطنت او

پارتیان دوباره از یک دوره‌ای از وحدت و رفاه لذت بردند. دیگر شاه، خسرو اول بود که به‌احتمال یک شاه محلی در ایران بود (S85). جالب توجه است که بدانید که سنت ریشه‌دار استفاده از تاج توسط بلاش چهارم حفظ نشد (۱۹۱-۲۰۸ م) کسی که فقط در پوشش یک نیم تاج بود (S86-87). با این حال در دوران سلطنت برادر او، بلاش پنجم (۲۰۸-۲۲۸ م S88) و اردوان چهارم (۲۱۲-۲۲۴ م S89-90) دوباره فقط با یک تاج ظاهر می‌شوند.

به‌نظر می‌رسد نوع تاج استفاده شده توسط اشکانیان بر سکه‌های حاکمان رعیتی نیز ظاهر می‌شود. تفسیر این فرآیند به‌شدت به بازسازی واقعیت‌های سیاسی آن زمان بستگی دارد. به‌نظر می‌رسد که اغلب ما وام‌گیری تاج اشکانیان توسط پادشاهان محلی را منطقی نمی‌دانیم اما می‌تواند چنین تاج‌هایی توسط یکی از اعضای خاندان سلطنتی استفاده‌شده که سرزمین معینی را اداره می‌کرده است.

بر سکه‌های خاراسن (Characenen)، در طول سلطنت مهرداد (قبل از ۱۳۱-۱۵۰/۵۱) پاکور دوم، پسر شاه شاهان، کسی که در یک شرایط گمنام بر تخت سلطنت رسید ظاهر می‌شود. مهرداد سکه‌های مفرغی چهاردرهم را منتشر کرد که یک مجسمه نیم‌تنه با تاج اشکانی نشان می‌دهد، اطراف آن تاج با هلال‌هایی تزیین شده است (Sellwood 1983b, p. 313; NPIIN 506). بر سکه‌های شاهان بعدی بار دیگر نیم تاج به‌صورت عالی سلطنت می‌کند. فقط بر برخی از سکه‌های منتشر شده اواخر خاراسن از Maga (؟) (تقریباً ۱۹۵-۲۱۰ م) فقط یک نیم‌تنه با یک نیم تاج و تاج در بردارند- اما روی هم

۱ موی سر او به‌صورت خوشه‌ای بالای نیم تاجش جمع شده و پشت گوش‌هایش قرار گرفته است. با این حال بر برخی از سکه‌های مفرغی او یک تاج با قلابی و یک شاخ در کنار آن دارد (تاریخ انتشار 80.25 And 80.26; 80.23f.; 80.18, 80.11, S80.11 به بعد از ۱۱۷ م می‌رسد). نسبت آنها به سلطنت خسرو هنوز نامشخص است.

رفته منشأ آن به صورت واضح باقی نمانده است (NPIIN 510; Alram 1987, p. 126, nos) 116ff; Sellwood 1983b, p. 313f; Hill (1922, p. 305, P1s 45. 4ff).

در الیمایی این تاج برای اولین بار بر سکه‌های ارد اول پیدا شد، بعد از آن که با نمادهای محلی یافت شد بر سکه‌های جانشینان او، فرهاد و ارد دوم مشترک شد (Hill 1987, 119ff). Alram 1987, p. 253ff; Sellwood 1983b, p. 306ff). این احتمال وجود دارد که ارد در منطقه الیمایی توسط بلاش اول منسوب شده بود که به عنوان قسمتی از سیاست او برای متحد کردن ایالت پارت بوده باشد.^۱ بنابراین استفاده از تاج در الیمایی و حضور آن در آنجا می‌توانسته به عنوان شاخه‌ای از پارتیان بوده باشد. در قرن دوم میلادی آن تاج از روی سکه‌های الیماییان حذف می‌شود، اگرچه در مجسمه‌های آن عصر باقی مانده است. تاج‌هایی در پارس باعث ایجاد تناقضات و خصوصیات متفاوت شد (NPIIN 511ff; Alram 1987, 17ff). داریوش دوم (قرن یک پ.م) یک تاج با سه ردیف نقطه‌چین و هلال در اطراف معرفی کرد که شبیه تاج مهرداد دوم است (NPIIN 564ff; Alram 1987, p. 129).

پیش‌زمینه سیاسی ناشناس این نوآوری چندان دوام نیافت. عنصر قابل توجه هلالی است که نماد حامی داریوش دوم است و این نقش‌مایه مکرر بر سکه‌های پارسی وجود دارد. شرایط سیاسی سلطنتی داریوش دوم شناخته شده نیست و از این رو توضیح اینکه چرا او تاج اشکانیان

۱ مقایسه کنید با:

را اتخاذ کرده مشکل است. این امکان وجود دارد که سیاست او در شرایط بحرانی موقت در پارت در حدود ۸۷-۷۰ پ.م انجام گرفته باشد. که به احتمال در اواخر قرن یکم تاجی گردشده با هلال بر سر دارد (NPIIN 608ff). تاجی مشابه توسط بسیاری از جانشینان او استفاده شد و تمام این سبک‌ها تا زمان اردشیر، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان ادامه می‌یابد.^۲ بر تاج شاهان پارس، نماد اصلی هلالی بود و آن تاج با ردیفی از نقطه‌ها آراسته شده بود. شکل و علامت تاج پارس با پوشش‌های سر شاهان جوان اشکانی هم دوره آنان مطابقت ندارد. در عوض آن سنت توسط داریوش دوم ادامه داده شد.

گاه مجسمه هاترا پوشش سر بلندی بر سر دارد که در برخی موارد با تاج اشکانیان شباهت دارد. این تشابه در برخی تزئینات دیده شده است مثل خطوط مورب یا خوشه‌هایی در نوار مرکزی که به صورت عمودی به سمت بالا تداوم دارد. تفاوت اصلی در شکل است. تاج‌های هاترا گنبدی نیستند بلکه در نمای جانبی بیشتر به صورت مخروطی هستند درحالی‌که از نمای جلو آنها باریک و پهن دیده می‌شوند (Ghirsh-man 1964, P1s 89, 102).

شاهان اشکانی هند تاج‌هایی بر سر گذاشته‌اند که با تاج‌های منطقه آسیای غربی ارتباط نزدیکی داشتند (Al- NPIIN 1142ff; ram 1987, p. 130ff). بنیان‌گذار این سلسله، گندوفر (Gondophares) (۲۰-۴۶ م) بر سکه‌ها در پوشش یک کلاه همانند سیناتروک

M. J. Olbrycht, Das Arsakideneich zwischen der mediterrnen Welt und Zentralasien (ca. 50- 160 n. Chr.), in: Ancient Iran and the Mediterranean Word, Papers of the Colloquium Held at the University of Cracow in September 1996, E. Dabrowa, (Ed.) (Frothcoming).

2 Unknown King II (NPIIN 618ff.), Vadfarad IV (NPIIN 623ff.), Mancihir II (NPIIN 634ff.), Unknown King III (NPIIN 641), Mancihir III (NPIIN 642ff.) Sabuhr (NPIIN 653ff.), Ardasir V (NPIIN 656ff.)

و پاکور سوم نشان داده شده است (NPIIN 1158). آنچه که اینجا مطرح است اشاره روشنی به راه و روش سلسله اشکانی است که از سیناتروک ریشه می‌گیرد که در ایران توسط اردوان دوم عزل شد (۱۰-۴۰ م).^۱ جانشینان گندوفر از تاج‌هایی شبیه با اشخاص معاصر اشکانی به خصوص بلاش اول استفاده کردند.^۲

مشکل دیگری که وجود دارد تأثیر احتمالی تاج‌های اشکانیان بر پوشش سر کشورهای همسایه است. تاج‌هایی مربوط به کوشان‌ها^۳ در خوارزم پیدا شده است.^۴ تاج‌هایی بلند در آخرین سکه‌های منتشر شده در آسروئن (Osrhoene) ظاهر می‌شود (Hill 1922, pp. 91-118 and (P1s XIII 14, XIV 1, XVI 9, XVII 2)). این مسئله نیازمند مطالعه اختصاصی و دقیق است.

تاج و سلطنت اشکانیان، برآیند

آرایش سلطنتی مو که ما از طریق بسیاری از سکه‌های پادشاهان اشکانی می‌شناسیم از زمان مهرداد دوم شروع می‌شود این پوشش سر از یک تاج گنبدی شکل دراز و یک نیم‌تاج تشکیل شده بود. ظاهراً هر بخش تشکیل‌دهنده تاج در خدمت عملکردهای مختلفی بوده است. این آسان نیست که مشخص کنیم اهمیت تاج و نیم‌تاج در ایدئولوژی سلطنتی اشکانیان چه بوده است. حتی در مواردی مثل دوره ساسانیان که به‌خوبی ثبت شده این مشکل به‌صورت موجه پاسخ داده نشده است. اسناد مکتوب که مراسم تاج‌گذاری اشکانیان

یا اتباع آنها را توصیف می‌کند تنها از یک نیم‌تاج نام می‌برند. پلوتارک به امتیاز خانواده سورن اشاره می‌کند کسی که در حکومت اشکانی با یک نیم‌تاج تاج‌گذاری کرد (Pult. Crass XXI). Surenā Patrio mori Tiridatō insigni region evinxit" - Tact. Ann. VI 42). تاسیتوس تاج‌گذاری تیرداد با یک نیم‌تاج توسط بلاش اول را توصیف می‌کند که او را حاکم ارمنستان کرد (TAC. Ann. XV 2). ژوزف فلاویوس از اشغالگری کیناموس می‌نویسد کسی که نیم‌تاج سلطنتی را به اردوان دوم واگذاری کرد (Ios. Ant. IUD. XX 63-65) و از یونان تاج‌گذاری مونوبازوس در آدیابن را با یک نیم‌تاج توصیف می‌کند (Ibid. XX 32). پارتاماسیریس، پادشاه اشکانی ارمنستان، با تراژن در یک نیم‌تاج شباهت دارد (Dio LXVIII 19.3-4). پارتاماسپاتس غاصب وقتی تراژن بر سر او یک نیم‌تاج قرار داد، شاه شد (Dio LXVIII 30.3). نرون با اعطای یک نیم‌تاج تیرداد را شاه ارمنستان کرد (Dio LXIII 5.4). اشکانیان معمولاً یک نیم‌تاج ساده استفاده کردند اما اردوان چهارم از دوتا استفاده کرد (Herod. VI 2.1). منابع قدیمی ذکر شده در بالا نشان می‌دهد که توزیع یک نیم‌تاج مساوی با قدرت اعطای بیش از یک زمین بوده است.

به نظر می‌رسد پشت بسیاری از سکه‌های اشکانیان تصویر یک زن شبیه به الهه یونانی تی‌شه وجود دارد که یک نیم‌تاج را به پادشاه اعطا می‌کند (McDowell 1935, pp. 72, 74, 76, 81, 84,)

۱ فرضیه‌ای مشابه به‌صورت جداگانه ایجاد شده توسط:

S. Longinov, A. Nikitin, Parthian Coins from Margiana. Numismatics and History (in the press). A. D. H. Bivar, Gondophores and the Shahanama, Iranaca Antiqua 16 (1981), pp. 144-150.

۲ مقایسه کنید سکه‌هایی از: NPIIN 1176, NPIIN 1178ff, NPIIN 1191ff.

۳ ویم کادفیس یک تاج مرتفع و گرد و یک نیم‌تاج پوشیده دارد. نگاه کنید به: R. Göbl, System und Chronologie der Münzprägung des Kušanreiches, Wien 1984, Taf. IV (Kronen), K1 and K4 4V. M. Masson, Khoresm I Kushany, Epigrafika Vostoka XVII 1966, p. 79ff

bol, AMI 7 (1974), p. 135ff; Proda (1985, p. 813). این مسئله همچنین برای اوایل دوره ساسانی به خوبی ثبت شده است (در ایران زمان اشکانی و ساسانی چیزی که به صورت ویژه اهمیت داشته آتش بهرام بوده که که مرتبط با تاج‌گذاری پادشاه بوده است. نگاه کنید به: Colpe et al. (Ed.), 1986, P. 341ff می‌رسد که در دوره اشکانیان عبادت ایزد میترا با ایزد بهرام همراه بوده است.^۴

مطالعات اعتقادات و باورهای مذهبی در ایران باستان اجازه درک بهتری از بعد کیهانی قدرت اشکانیان داده است که آشکارا در نمادهایی از تاج‌ها وجود دارد که نشان‌دهنده قدرت الهی است، اگرچه این مسئله شامل بسیاری از جنبه‌های مهم است (Colpe et al. (Ed.) 1986, p. 379f. ; Widengren 1959, p. 254). اشکانیان در حکومتشان عبادت عجیب و غریبی داشته‌اند (Stra-) Amm. XXIII 6.4. ; bo XVI 1.28). در گزارش او آمده که ارشک پس از مرگش در میان ستارگان قرار گرفته و از آن پس شاهان ایران خودشان را برادران خورشید و

به احتمال زیاد او به عنوان شخصیتی از ایزدی سلطنتی شناخته شده است.^۱ ایزد فارو در سکه‌های کوشان‌ها به خوبی شناخته شده است، جایی که صحنه‌هایی از اعطای نشان ظاهر می‌شود (M. L. Carter, Trifunction-) al Pharro, Studia Iranica 15 (1986), p. 89ff). به نظر نمی‌رسد که این نیم تاج فقط نشانه‌ای از منزلت شاهی باشد بلکه نمادی از فره ایزدی است (D. Guillemin 1961, p. 92).^۲ در ایران شکوه سلطنتی فره ایزدی - کلید درک سنت‌های سلطنتی ایران - به عنوان یک تجلی از خورشید یا آتش مقدس بوده است. ماهیت این مفهوم به بهترین نحو توسط آمیانوس مارسلینوس ارائه شده است (E. Yarshater, Iranian Common Beliefs and World-View (in: CHI 3(2) 1983, p. 315). در گزارش او آتشی از بهشت بر پادشاهان ایران اعطا شده بود (Amm. XXIII 6.34). مفهوم شکوه سلطنتی فره ایزدی همراه با آتش مقدس به احتمال زیاد در واقعیت تحت حکومت هخامنشیان بوده است (S. Shabazi, an Achaemenid Sym-)

۱ بر یکی از سکه‌های اردوان دوم نیم‌تاج توسط تصویر یک شاه ارائه شده است. شاید صحنه‌ای نمادین از پیروزی او بر ونوس است.

۲ درباره شناسایی فره ایزدی همراه با ایزد تی‌شه نگاه کنید به: Calmeyer 1979: p. 348 قابل ملاحظه است که تیرداد اشکانی به نون اشاره‌ای داشته است کسی که او را به عنوان تی‌شه تاج‌گذاری کرد (Dio LXII 5.2). در زمان اردشیر اول آن فره ایزدی بر نقش برجسته‌ها ظاهر می‌شود که ممکن است به عنوان تی‌شه یونانی و فورتونای رومی مشاهده شده باشد. مقایسه کنید با: A.S. Shahbazi, Fanah Symbolised, AMI 13 (1980), p. 119ff; J Wiesehöfer, Ardasir I. History, Encyclopedia Iranica 2 (1987), p. 376. ; Lukonin 1969, p. 25 پژوهش بیشتری دارد. درباره تفاسیر مختلف و اظهار نظر درباره فره ایزدی نگاه کنید به: B. Jacobs, Das Chvarneh: Zur Stand der Forschung, Mitteilungen der Deutschen Orient-Gessellschaft, 119 (1987), pp. 215- 248

۳ نظرات دیگران درباره اهمیت نیم‌تاج‌های ساسانی تقسیم‌بندی شده است. طبق گفته‌های برخی، نیم‌تاج‌ها وسیله‌ای برای فره ایزدی بوده‌اند. دیگران عقیده دارند که این در ارتباط با کل تاج بوده است.

Erdmann 1951, p. 121; R. Gobl, Der Triumph des Sasaniden Sahrpur uber Grodian, Philippus und Valerianus, Osterreichische Akademie der Wissenschaften. Phil-Hist. KL. Denkschriften CXVI 1974, p. 34.

۴ این فره ایزدی به یک صفت پادشاهی تبدیل نشده بود تا وقتی که او تاج‌گذاری می‌کرد و شروع با پرستش آتش مقدس در عبادتگاه می‌کرد. این بعید نیست که ایزدودور خارا کسی به آتشی همانند آتش تاج‌گذاری اشک اول در آساک اشاراتی کرده باشد (مانس. قسمت ۱۱). مقایسه کنید با: Koshelenko 1971, pp. 215-216.

ماه نامیدند (Amm. XXIII 6.4.; Amm. XVII 5, 3). با این وجود ما نیاز داریم که به یاد داشته باشیم آمیانوس مارسلینوس یک قرن و نیم بعد از سقوط اشکانیان این مطالب را نوشته است. هر گونه بازسازی از چگونگی گسترش ایدئولوژی سلطنتی اشکانیان کار به‌ویژه دشوار است که باعث می‌شود به یک پیچیدگی از سنت‌های کاملاً متفاوت برخورد کنیم (در این مسئله نگاه کنید به: Neusner 1963; Wolfski 1965 and idem 1977). این سلسله مفاهیم هلنی را به فراوانی نشان می‌دهد (مقایسه کنید با: Neusner 1963; Koshelenko 1971, p. 212ff; Walbank 1984, p. 63ff). همچنین روابط بسیار قوی با سنت‌های چادرنشین داشته‌اند.^۱ با ارجاعات کم‌وبیش آگاه به دوره هخامنشی مشخص است که در زمان اشکانیان تحت حاکمیت ارشک اول و دوم پوشش سر ساتراپ‌ها و عنوان کرنی در استفاده آنها بوده است.^۲ شاهان بعدی اشکانی به دوره هخامنشیان بازگشتی داشته‌اند (Ann. VI 31.1; Arr. Parth. Fr. 1.; Wolski 1965, p. 155; Wiesehöfer 1986). تعیین ایدئولوژی سلطنتی اشکانیان از اقدامات انجام شده توسط مهرداد دوم بود: او روی سکه با عنوان شاه شاهان با تاج معرفی شده است. استفاده از یک تاج ساخته شده به تقلید از کلاه تشریفاتی مادها و هخامنشیان توسط اشکانیان متناسب با سنت سلسله اشکانیان یادآور میراث قدیمی پارسیان است.

شواهد سکه‌شناسی و شمایل‌نگاری و منابع نوشته شده اثبات می‌کنند که می‌توان نتیجه گرفت

که اشکانیان در ساخت یک ایدئولوژی پیچیده و چندوجهی درگیر بوده‌اند. به ادعای آنها این مشروعیت برای تسلط بر سراسر شرق میانه و نزدیک به آنها وام داده شد درحالی‌که در پارت به آنها یک موقعیت مستقل ممتاز در مقابل اتباعشان داده شد و آنان را به‌عنوان حاکمان راستین و یگانه ساختند.

پرچم به‌عنوان جزئی از تاج سلطنتی با آغاز حکومت مهرداد دوم در بسیاری از سکه‌های اشکانیان آشکار است. استفاده از تاج همراه با بسیاری از نمادهای مذهبی همیشه با ایدئولوژی سیاسی درگیر بوده است (نمادهای مذهبی به‌ویژه در تاج‌های ساسانیان گسترده بوده است، مقایسه کنید با: Lukonin 1969, pp. 40ff-155ff). علاوه بر این اغلب برای تأکید بر سوءاستفاده منحصر به فرد شاه به خدمت گرفته می‌شد که این به‌وضوح برای مهرداد دوم صدق می‌کند. در تاج و تخت توسط عشایر نمادهایی قرار داده شد، سیناتروک تاج خود را با وام گرفتن طرح‌هایی از سنت‌های عشایر آسیای مرکزی تزیین کرد. بلاش اول، بنیانگذار واقعی جریان جدیدی در حکومت اشکانیان و اصلاح‌گر و بازگرداننده سنت‌های ایران، تاجی بلند بر سکه‌های شاهان جوان اشکانی معرفی کرد. این نوع تاج پس از او پی‌درپی توسط فرمانروایان اشکانی استفاده شد. فرهاد سوم و پاکور دوم تاج‌های پدران‌شان را برای تأکید بر پیوندهای دودمان خود اقتباس کردند. در انتخاب تاج سیناتروک، گندوفر اشکانی هندی، بیانیه سیاسی روشنی ارائه کرد. این نمونه برای روشن ساختن این ادعا به خدمت گرفته می‌شدند

1 Koshelenko 1971, p. 215f; D. S. Raevskiy, K voprosu ob obosnovanii tsarskoy vlasti v Parfii (Parfianskiy Luchnik I ego smantika) in: Srednyaya Aziya v drevnosti I srednevekovye, Moscow 1977, pp. 81-86.

2 J. Wolski, Les Achemenides Et les Arsacides, Syria 43 (1966), pp. 63-89; E. V. Zeymal, Parfianskiy luchnik I ego proiskhozhdenie, Soobshcheniya Gosudarstvennogo Ermitazha 47 (1982), pp. 46-49; Lukonin 1983, 686f

که تاج در ارتباط با تبلیغات و ایدئولوژی سیاسی مورد استفاده بوده است.

حاکمان مطیع الیمایی، پارس و خاراسن تحت حکومت پادشاهان اولیه اشکانی معمولاً تنها یک نیم تاج را استفاده کردن - به خصوص در پارس - آیا آنان تاجی متفاوت از تاج حاکمان اصلی اشکانی داشته اند؟ این وضعیت تا حدودی در قرن اول و دوم میلادی تغییر پیدا کرد. سبک تاج های اشکانیان بر بسیاری از سکه های حاکمان پارس (آنها تاج مهرداد دوم را تقلید کردند) و به صورت مکرر بر بسیاری از سکه های حاکمان الیمایی و به صورت پراکنده در خاراسن در آن زمان ظاهر می شود. همانطور که با آن نیم تاج ها در تضاد بودند، در تاج آنها فره ایزدی به طور مستقیم دخیل نبوده اما به جای آن (اگر چه ممکن

است واقعیت هایی به صورت نادرست از بین رفته باشند) برای انتقال ماهیت خاص قدرت اشکانیان به عنوان شاه شاهان در نظر گرفته شده بود، کسی که بالاتر از حاکمان و شاهزادگان محلی ایستاده بود. نمونه های جمع آوری شده در آن شرایطی که تاج روی سکه ها معرفی شده بود بسیار است. این شیوه ارائه تاج، توسط مهرداد دوم انجام شده و پس از او به طور موفقیت آمیز قدرت پارتیان در غرب و آسیای مرکزی برقرار شد و برای اصلاح ایدئولوژی سیاسی اشکانیان انجام گرفت (Ti-ratsyan 182; Lukonin 1969). این سیاست در جهت اقدامات شناخته شده انجام گرفته است که برای قرن ها در شرق نزدیک و آسیای مرکزی وجود داشته است.



تصویر ۱

تصویر ۲. (تصویرها از اج. پیزول)

“Contents”

Article

Iran-e Varjavand Shahin Aryamanesh	3
Light and Fire in Shahr-e Sokhteh Seyyed Mansour Seyyed Sajjadi	5
Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Ūzan) Taram City Ali Nourollahi	19
Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology Marek I. Olbrycht, Persian translated by Mohsen Saadati	36
Kartir, from Uphill to Descent Sorour Khorashadi & Seyed Mehdi Mousavi	61
Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani Enrico Morano, Persian translated by Behnam Ataei	79
Works of applied art from Kushan Bactria Jangar Ilyasov, Persian translated by Behzad Sedaghati	85
The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque Hamid Norasi & Farid Ahmadzadeh	94
Dashkasan Temple of Viyar (Shirin & Farhad) and Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh Ali Nourollahi	108
Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province Thomas, David & Gascoigne, Alison, Persian translated by Behzad Sedaghati	132

Commentaries

The Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Leila Makvandi	144
---	-----

Critique and Book Review

Review of Tepe Hissar Saeid Baghizadeh	156
Review of Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran Arshak Iravanian	160
Hittites in Asia Minor Shahin Aryamanesh	163

Obituary

Ehsan Yarshter, Olivier Leocont, Mohsen Abolghasemi, Yaddollah Samareh, Behrouz Hamrang Arshak Iravanian	165
--	-----

Reports

16 th Annual Symposium on the Iranian Archaeology	167
--	-----

English Section

On the eighty-sixth Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Wouter F.M. Henkelman	3
--	---



ایران ورجاوند



| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 1, No.1, Autumn & Winter 2019 |

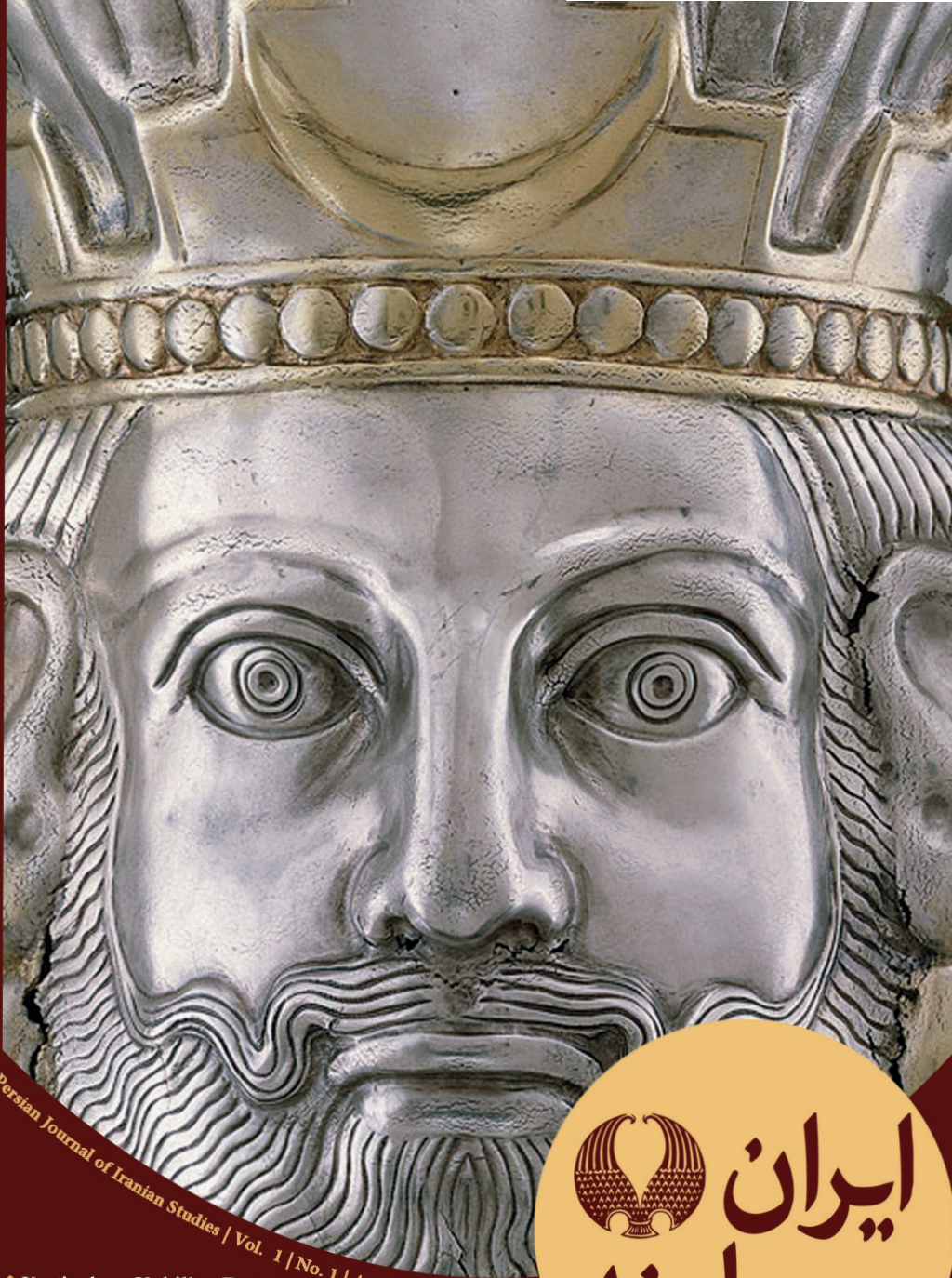
Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| **Shahin Aryamanesh** |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this
publication may be reproduced,
stored in a retrieval system or trans-
mitted in any form or by any means,
electronic, mechanical, photocopy-
ing, recording or otherwise, without
prior permission in writing, form the
publisher.

With Contributions by
| **Tissaphemes Archaeological Research Group** |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 1 | No. 1 | Autumn & Winter 2019



ایران
ورجاوند
Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Kartir, from Uphill to Descent
- ◆ Light and Fire in Shahr-e Sokhteh
- ◆ Works of Applied Art from Kushan Bactria
- ◆ Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Üzan) Taram City
- ◆ Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani
- ◆ The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque
- ◆ Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology
- ◆ Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province
- ◆ Dashkasan Temple of Viyar & Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh